

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۱۶ صفحه

بیکار

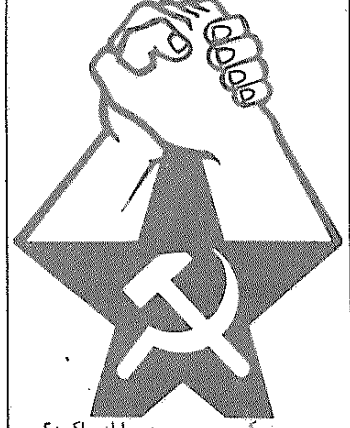
۶۳

سال دوم - دوشنبه ۲۳ تیر ۱۳۵۹ بهار ۲۰۰۰ ریال

در صفحات دیگر این شماره:

- پیام شیخ عزالدین حسینی به خلقهای ایران - صفحه ۴
- گرانی: فرزند طبیعی نظام سرمایه داری (۲) - صفحه ۶
- دهقانان و جنبش انقلابی (۲) - تاکتیک کمونیستها در برخورد با اقشار دهقانی - صفحه ۵
- چهره عربان روزنیو نیسم در هنر (۳) - هنر روزنیو نیستی مبلغ آنتی طبقاتی - صفحه ۸

اطلاعیه وحدت با: اکثریت باران حیدر عمواوغلی، گروه طرفدار جنبش طبقه کارگر، و بخش انشعابی از اتحاد مبارزه در راه آرمان طبقه کارگر.



حسین کمونیستی منین ما ازیرا کندگی و اریست اندولوریک - سالی رح میرسد، سزا کندگی و سنی که خود مناور منسه ساری صنعتی و سمار بیجا و احراجات است. طبعی است که این وضعیت را بر بلا واسطه خود را در امر رهبری و هدایت حسن کارگری و حسن بوده - ای سحور بر و صنعتی و احراجات گونه گون سالی نکذارد، مسئله ای که امروز ما باید آن همسما را در گذر دست در شرایطی که حسن بوده ای نادانسه گیری سن از پیش و اعلامیه بیس سرود، کمونیستهای دلسل پیرا - کندگی و بیست دروسی خود در شرایط سماردی قرار گرفته اند و طبعی است که این واقعیت سلخ سروهای درون حسن کمونیستی را تحت ساری ایداده و به چاره جوئی و امیدارد. - صفحه در صفحه ۱۲

برچیدن دکها، سرکوب زحمتکشان

۱۶ صفحه

اعلامه سازمان در رابطه با حلات احرار روزمه در کد کاران رخصت:

همه گدسه طرح تک کودمائی ارجاعی و مدخلی، ارجاع تک محافل قوی ارجاعی مسعیما و اسه ایدامیرالیسم آمریکا در ارتش مدخلی ایران و در آسایسه اجرای آن، گف و حسی سدا س کودمائی ارجاعی در شرایطی طراخی نده بودگی حسن انقلابی خلقهای منین ما مراحل حسانی را بیست سر منگدراند. حسن انقلابی بوده ای که ده سدا و ردهای گرانها شی رسیده است و بر حفظ سدا و ردهای تمام فیرما سده منین ما دای سفرد، ارجاعی سوموردنیو نیسم صریحا لسمو و ارجاع تیرار دارد و پیدا و مخران اسنادی - اسنادی خا سده و محفل ارجاعی رژیم صهیونیستی اسلامی و سیمایس هشت خاکه و محسوس جناح خرده بورژوازی آن با اسیرالیسم آمریکا در چارچوب سدا سدا انقلاب جهانی - یو طغه های امیرالیسیا و یوزده سیر - با لسم آمریکا و عمال آنها در ایران، سدا و مخران انقلابی و رده حسس بوده ای در سیرا عملی انقلابی، سوه سمار ساسینا و... مجموعه عواطفی همسدا در حسد ب - صفحه در صفحه ۲

پیاد ۲۳ تیر ماه نخستین اعتصاب خونین کارگران جنوب

۳ صفحه

چهره عربان هیئت حاکمه در رویدادهای اخیر و سخنی با مجاهدین خلق ایران (قسمت آخر)

البته این خطی بود که بصورت سیماییک آن حتی قبل از جریان سوار آیت، آغاز نده بود. هجوم نظامی - سیاسی گسرنده کردستان، تهاجم وسیع به کارخانجات و مملاتی گسرن کانونهای مبارزاتی در آن و از جمله مملاتی کردن شوراهای و نهادهای کارگری سترنی در کارخانجات و جایگزین کردن نهادهای زرد و ارتجاعی و نیز اخراج، دستگیری و ارجاع عامر مبارز کارخانجات (بصورت یک ساسست مستمر و بیگنیر) حمله به حرم آزادیهای نیروهای کمونیست، جلوگیری از انتشار عملی ستریات آنها، تحت پیگرد قرار دادن عناصر وابسته به آنها و جود داشت.

آنها و جود داشت. . . از طرفه های متعدد و اساسی این خط مشی سرکوب، قتل، استنای وحدت بود، لکن این زحمر میا سدا طلعه های جدیدی کاملر کرد و این طلعه ها در سدا آن طلعه هائی بود که صاحبهای مختلف هشت خاکه سسل را آن چندان بر سر آن وحدت سدا سده و میسرین آن اعمال سیاست سرکوب و نیجا جم در مورد سیرو - های دمکرات مدھی و در اس همه سارسان مجاهدین خلق بود که در مورد آن دونا کسنگ و دوروش مختلف در درون هشت خاکه سبه در صفحه ۱۰

محاكمه مبارز بر سابقه محمد قی شهرام شروع شد

- هدفهای رژیم را ازیرا دانداختن با ملاحها که شهرام، سنا کیسم
- ده ع از شهرام ده ع اریکا انقلابی سالی س دیکتاتوری و وظیفه کمونیستها و دیگر نیروهای انقلابی می ساست.
- با ده ع از شهرام سنج ارمحوش شدن روز خا و اختلافات درون خلق و تضاد خلق با ارتجاع و امیرالیسم سودیسم.

مرگ بر امیرالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۱
گودتا ...

تضاد های موجود افزوده و به سیراوضاع سیاسی تاثیر میگذارد. بر اساس تحلیل این سلسله تضاد های موجود در جامعه بود که ما تحلیل خود را از سمت و سوی حرکت اجتماعی بنا پذیریم. در پیکار ۵۴ و ۵۵ از آنجا که ما و جنبه با ناپذیر بودن " جنگ داخلی " را مطرح ساختیم، طرح کودتای ارتجاعی غیر حلقه دیگری از تشنه تضاد های فوق را ظاهر ساخته و خود بر شدت گیری بحران اجتماعی و سیاسی موجود افزود.

ما هیئت کودتای " ارتجاعی " هفته پیش چیست، امپریالیسم آمریکا و اعمال جناح پیکارش چه هدفی را از انجام آن به پیش میبرند، نقش و موقعیت جناحهای هیئت حاکمه کدام است و تحت شرایط موجود این ارتکاف کودتای ارتجاعی در بهره گیری از اوضاع بنفع خویش و در تضعیف جناح مقابل چه مصلحتی برای ما دارد؟

مصلحت هیئت حاکمه در سرکوب انقلاب و دفاع از سرمایه داری وابسته، مورد تأیید امپریالیسم است. همه جناحهای هیئت حاکمه و امپریالیسم جناح پیکار آمریکا (هر چند از مواضع متفاوت) سرکوبگر جنبش انقلابی بوده ها و مدافع سیستم سرمایه داری وابسته هستند. حرکتی که رژیم جمهوری اسلامی بمثابه مدافع نظام حاکم سرچامه، در طول ۱۶ ماه گذشته در خدایت با شد اوم انقلاب و پیشرفت جنبش رو بر شدت داده و سرکوب آنها انجام داده است، این مسئله را باورها و باورها به توده ها ثابت کرده است. خون پاک که از تن عده ها پیکارجوی دلاور خلق در کردستان، ترکمن صحرا، در دانشگاهها، ضرابخانهها، در میدان تیر... بدست هیئت حاکمه و ارگانهای سرکوبگرش بر زمین ریخته شده است، میمان این واقعیت است که توده های انقلابی سرور در آن توهم خود را نسبت به رژیم حاکم پشت سر گذا رده و بسا انقلابی نوین انقلابی هر روز بیشتر این رژیم را تحت فشار جنبش توفنده خود قرار میدهند. مبارزه توده ها علیه امپریالیسم و سرمایه داری وابسته جز از مبارزه بسا حکومتی که در جلوی آن قدر با فرشته است و بپیر خانه تمام دستاوردهای قیام بهمین ماه از برپا میگذارد، ممکن نیست هیئت حاکمه طبق سرکوب و از نظام موجود دفاع میگذرد و این لحاظ بسیار است. مورد تأیید امپریالیسم است و بی آن بکه هیئت مضطرب را دنبال میکند.

تضاد دو جناح هیئت حاکمه و جنبش انقلابی توده ها تشبیهت حکومت است. مادر باره تضاد دو وحدت و دو جناح قدرتمند هیئت حاکمه بر سر مسائل مختلف قبلا بارها صحبت کرده ایم. این تضاد که خود معلول جنبش رشدیابنده توده هاست، هر روز خادتر میشود. جناح بنی صدر و لیبرالها که متکی به ارتش، دستگا های دولتی کهنه و... هستند، امروز در مقابل جناح حزب جمهوری اسلامی که متکی به کفیتها، پایداران، دگانه های انقلاب و... میباشد. آشکارا جنگ و دندان نشان میدهند و علیرغم وحدت کوتاه مدتشان (ما تند وحدت کوتاه مدت بعد از " میثاق وحدت " در " شورای انقلاب ") تضاد های شان همواره بروز میکند. این تضاد درونی هیئت حاکمه خود با عت شده که این دو جناح را نمایکدیگر افشا و تضعیف کنند مجددا باعث هوشیاری توده هاست به جریانات سیاسی و نیز حوادث پشت پرده شده و بر وحدت تضاد توده ها هیئت حاکمه میافزاید. وجود این تضاد در درون هیئت حاکمه اکنون خود یکی از عوامل ناپایداری سیستم حکومتی و عدم تشبیهت آن است. گرچه هر دو جناح خواهان آنند که حکومت را هر چه زود تر به سرکوب جنبش توده ها، بنفع جناح خود تشبیهت کنند، لیکن وجود این تضاد و نیز اساسا اعتلای جنبش انقلابی نشان میدهد که آنها ناتوان از سرکوب انقلابند. آنها هر چه بیشتر سرکوب میکنند، توده ها بیشتر به مبارزه بر میخیزند و جنبش توده ای دامنه و رشد بیشتری مییابد و باز دوباره تضاد درونی

هیئت حاکمه خادتر میشود. دامنه این حرکات بمعنی ادامه گسیختگی و ناپایداری و ضعیف کنونی است، ولی از آنجا که سیستم حکومتی بخشی از توده های ناگام را بد شمال خود دارد، همراه با تشدید تضادها و تند اوم بحران انقلابی نتیجه اجتناب ناپذیر این تحولات عیار است از جنگ داخلی که مادر کشته آن سخن گفته ایم. بآیت الله خمینی بمثابه مدافع کل هیئت حاکمه از هر دو جناح پشتیبانی و حمایت میکنند که چه به حزب جمهوری اسلامی نزدیکتر است.

امپریالیسم آمریکا خواهان یک قدرت متمرکز بورژوازی در قدرت سیاسی است. تجربه ۱۶ ماه گذشته نشان داد که امپریالیسم آمریکا برای تشبیهت نظام موجود، یعنی سیستم سرمایه داری وابسته نیازمند خواهان ثبات در قدرت سیاسی بورژوازی است. همین تجربه نشان داد که قدرت سیاسی بورژوازی مرفه سنتی، علیرغم اشتراک منافع فئدالی در کل نظام سیاسی کنونی و نیز در فاعل از کل نظام اقتصادی - اجتماعی موجود، فاقد آن تطبیق ارگانیک با زیربنای این نظام است، و در امر بازسازی سیستم پیوسته اخلاقی و آتارشی ایجاد میکنند. و از این لحاظ با امپریالیسم آمریکا دارای تضاد مشخصی است. بهمین جهت در طی این دوران سیاست عمومی امپریالیسم آمریکا حمایت از جناح بورژوازی " لیبرال " در قدرت حاکمه و تضعیف جناح خرده بورژوازی آن بهر طریق ممکن بوده است. چرا که " لیبرالها " تطابق قابلیت و توان بسیار بیشتری در اجرای سیاست بازسازی سیستم و تشبیهت قدرت سیاسی متناسب با آن را دارند. لیکن همین تجربه نشان داد که جدت بحران انقلابی روند رشد و اعتلای جنبش و نیز از هم گسیختگی اوضاع اجتماعی - اقتصادی - سیاسی جامعه، آنچنان شرایطی را فراهم کرده است که حتی جناح بورژوازی " لیبرال " نیز با سیاستی که تا کنون در پیش گرفته است، ناتوان از تشبیهت اوضاع نموده است. قابلیت و " فراطاست " بورژوازی " لیبرال " در متن شرایط موجود نیز تا کنون نتوانسته است، تا تئوری تعیین کننده در شرایط تعیین شده به قدرت سیاسی حاکم، داده شده باشد. همین بن بستها و اوضاع پیچیده و گسسته شده است که امپریالیسم آمریکا را بسا سمت انداخته و هوشیاری از قبیل همین کودتای اخسروق میدهد که پیش بینی شکست آن از همان ابتدا نیز امر دشواری نمی توانست باشد. امپریالیسم آمریکا مایوس از توان بورژوازی " لیبرال " در تنظیم بخشیدن بقصدت حاکم و تشبیهت اوضاع و دل چرکین از آتارشیگری خرده بورژوازی مرفه سنتی برای مقابله با پیشرفت انقلاب و تعیین منافع ارتجاعی و غارتگرانه اش بنا جا ربه چنین تاکتیک هائی در پیشبرد سیاست ارتجاعی اش پناه برده است.

طرح توطئه خائنه کودتا توسط عده ای از فرماندهان ارتش در هفته پیش جزئی از این سیاست عمومی جنایتکارانه و ضد خلقی امپریالیسم آمریکا در ایران است. همان فرماندهانی که توسط همین رژیم با صلاح ضد امپریالیسم از ما ههای اولیه پس از قیام، در راس ارگان های سرکوب ارتش، شهرهای و... بگرا رگیا رده شدند و به سرکوب خلق پرداختند. (نظیر شهید مهدیون، ایسن عسرفا سد مزدور امپریالیسم و سپهبد محقق و نظایر آنها که برخی از آنها حتی تا آخرین لحظات عمر تنگین رژیم ما بگرا زکشتا رطلق مشغول بودند)، کمونیستهای انقلابی نخستین کسانی بودند که از نخستین روزهای بعد از قیام ما هیئت ضد خلقی ارتش و ما هیئت تشبیهتکارانه همین فرماندهان مزدور را برای توده ها افشا کردند و متقا بل از هر ان سیاسی رژیم جمهوری اسلامی از آن زمان تا کنون از اینان و امثالشان دفاع و حمایت همه جانبه کرده و می کنند و نه فقط دفاع کرده و می کنند بلکه آنان را در راس ارتش نیز قرار داده اند از جمله میدانیسم که سپهبد مهدیون فرماندهان تصابیی جنسایب با زرگان برای نیروی هوایی بود!

این طرح خائنه کودتا بیان این واقعیت است که امپریالیسم آمریکا با آگاهی به توانی بورژوازی " لیبرال " در تشبیهت اوضاع، به چنین شیوه ها و تاکتیکها - ثی روی آورده است تا با توسل به آن حتی الامکان برای غلبه بر بحران سیاسی - اقتصادی - اجتماعی موجود بنفع حلقه منافع ضد خلقی و غارتگرانه خود قدرت متمرکز و سرکوبگری را روی کار آورده که نظام سیاسی موجود را برپا به سرکوب و کشتار خلق، تشبیهت بخشد. اما یک حساب سرا بگشتی نشان میدهد که امپریالیسم ما هم قدر کورویی " منطقی " عمل میکند. وضعیست موجود بهیچوجه و حداقل در مقطع کنونی، چنین شرایطی را برای بشمر زسیدن این طرح خائنه و ارتجاعی از جانب امپریالیسم، فراط هم نمی آید و این در ک شکست این توطئه از قبل و تحت شرایط موجود کار چندان دشواری نمیتوانست باشد.

در شرایط وجود اعتلای انقلابی هیچ حکومتی که مستقیما و آشکارا دست نشاندۀ امپریالیسم آمریکا باشد قادر نیست بسا دگی بر مسند قدرت بنشیند و حاکمیت ضد خلقی خود را تشبیهت کند. اما این امر بنا بد معنای فراطوش کردن این واقعیت باشد که اولاً امپریالیسم در آتارینه دست به چنین برنا مه های ارتجاعی نخواهد زد و ثانیاً امپریالیسم آمریکا بهر حال میگذرد تا با سوار شدن بر موج تار صابیتی توده ها و با بهره گیری از خلائق از تشبیهت قطب انقلابی نیرومند و متشکل در جنبه خلق، با اتکا به اقامت مرفه و سوء استفاده از تسلیات اقماری و تقویت جادعه و وضعیست کنونی، زمینه استقرار نظام ارتجاعی مورد نظر خود را فراهم سازد.

باری دوران کنونی در کشور ما از دیدگاه و سیاست امپریالیسم آمریکا عیار رست از دور و تمرکز هر چه بیشتر تضاد انقلاب در ایران برای مقابله با جنبش خلق و اوضاع نا بسامان کنونی.

ولی این طرح به کجا انجام میدوی آتدهای آن چیست؟ همه جناحهای حاکمه برای " فدا امپریالیسم " نشان دادن خود کوشش میکنند تا با بهره گیری از اقدام ارتجاعی و شکست خورده امپریالیسم آمریکا توهم توده ها را دامن زده و برای حفظ قدرت سیاسی و منافع طبقاتی خود، توده ها را دستخوش توهم نموده و بیستمر ا برپا به تسلیات خود بسازای کنند.

کشف توطئه در مقیاس وسیعتری تضادهای درونی هیئت حاکمه را تشدید کرده است. حزب جمهوری اسلامی، جناح لیبرالها را بدست زیر حلات خود گرفتار است و با دامن زدن به این امر که توطئه و طرح کودتای ارتجاعی امپریالیسم آمریکا و مزدوران اش با ما بر علیه انقلاب و جنبش توده ای نبوده بلکه بر علیه " انقلاب اسلامی " و مدافعین " مکتبی " (جناح حزب جمهوری اسلامی) بوده است. تحت همین شرایط جناح حزب جمهوری اسلامی در قدرت سیاسی با بهره گیری از شرایط فراطر دست به تعرض بر علیه جناح بنی صدر زده است (جلسه حزب جمهوری اسلامی بطور مشخص به جنبه ملی و بطور تلویمی به بنی صدر ریش از کودتای ارتجاعی اخیر) . حزب جمهوری اسلامی از این موقعیت برای تقویت جناح خود و تضعیف جناح لیبرالها استفاده میکنند (عوض کردن تعدادی از فرماندهان ارتش در خوزستان و گماردن بسا در آن توسط غرضی که با اعتراض بنی صدر رو بر شود مطرح شدن مسئله تقویت بسا در آن و کمیته ها و آموزش به آنها، دستگیری با قری محیسوب بنی صدر توسط ایادی حزب و...) . لیبرالها و کسلا بورژوازی و نمایندگان آن در دولت و ارتش و... نیز از سوی دیگر وحشت زده و با موضعی دفاعی برای بر طرف بقیه در صفحه ۱۵

پیکار

جنبش کارگری



تحصن کارگران مبارز سا برای آزادی نمایندگان خود

حکومت درگیری بین عده‌ای از کارگران و نماینده
... کارگران با کارفرما، نقیض کارگران و نماینده
کارگران این کارخانه دستگیر و زندان اوین برده
شدند. یکی از دستگیرشدگان "احمد کریمی حساری"
نماینده مبارز کارگران است. این کارگر مبارز در
زمان رژیم شاه‌خا ش بدلیل نقش فعالش در مبارزات
کارگری به زندان افتاده، این با ریزش مقاومت
در برابر کارفرما، توسط رژیم جمهوری اسلامی دستگیر
شده است. کارگران مبارز سا که برای آزادی کارگران
زندانی و برگرداندن آنها به کارخانه دست به تحصن
زدند که در نتیجه ۵ نفر از زندانیان آزاد شدند و فقط
احمد کریمی حساری در زندان باقی است.

تفتیش و بازرسی بدنی در قرقه زیا

از چند وقت پیش تفتیش بدنی و بازرسی تمام
کارگران در کارخانه قرقه زیا شروع شده است. دو
پا سار مسلح جلوی در کشیک می دهند و نفرته گهبان
دیگر، تمام مجبها و زیرلبها سها و جورا با کارگران را
میگردند تا مبادا کسی اعلامیه بداخل کارخانه ببرد.
کارگری در این مورد گفت: هر موقع که شوراچی و
کمیته چی، هادسته گلی به آب میدهند از ترس اینکه
دستان بوسیله اعلامیه روشن شود، همه بازرسی میکنند.
آری رژیم هائی ارتجاعی از آکا هی کارگران و
زحمتکشان همیشه هراسناک بوده هستند، لذا برای جلو
گیری از آکا ه شدن کارگران، تفتیش و بازرسی بدنی
انجام می دهند تا مبادا اعلامیه های افشاگرانه
با عت آکا ه شدن کارگران گردد.

اعتصاب کارگران مبارز قطار عادی تهران - خرمشهر

روز ۵۹/۴/۷ قطار عادی تهران - خرمشهر با طر
عدم وجود امکانات رفاهی دست به اعتصاب زدند.
برای شکستن این اعتصاب از طرف مرکز، از ایستگاه
های قم و راک تعدادی کارگر خواسته شد اما هیچکدام
از کارگران دوا ایستگاه فوق حاضر به کار و شکستن
اعتصاب کارگران قطار تهران - خرمشهر نشدند. در
نتیجه کارمندان قطار مذکور برای اعتصاب شکنی
بعضی کارگران شروع بکار کردند. خواستهای کارگران
اعتصابی عبارت از افزایش فاصله کیلومتری، حق مسکن،
نهار روزی، دادن سرویس از تهران و... بود. تا بحال
از نتیجه اعتصاب این کارگران مبارز خبری نرسیده است.

جاودان باد خاطره شهدای کارگر مبارز وقت جنوب

کارگران در ۲۳ تیر ۱۳۲۵ خشم و نفرت خود را از
امپریالیسم انگلیس و عمال جیره خوار داخلی با
اعتصاب عظیم و صد هزار نفری خود که تا آن زمان
بی سابقه بود و سراسر تأسیسات نفت جنوب را در
بر میگرفت ایران داشتند.
در تاریخ مبارزات طبقه کارگران ایران روزهای
خونین بسیاری ثبت است، اما برخی از این روزها
به لحاظ سطح مبارزه ای که در آن جریان یافتند از
اهمیت بیشتری برخوردار است که ز جمله میتوان به
دوروز ۲۳ تیرا اشاره کرد. ۲۳ تیر ۱۳۲۵ و ۲۳ تیر ۱۳۳۰.
در ۲۳ تیر ۱۳۲۵ کارگران مبارز نفت جنوب بار
دیگر نقش مبارز خود را در مبارزات کارگری ایران به
نمایش گذاشتند.

بدنبال سقوط دیکتاتوری سها رضا خانی و آزا دی
نسبی ایکه برای نوده ها بدست آمده بود، سطح آکا هی
کارگران و زحمتکشان نسبت به گذشته رندقا بل ملاحظه
- ای گرد و آنها بیش از پیش نسبت به حقوق خوبیش
آشنا میشدند. در این میان کارگران مبارز صنعت نفت
نفت که از نزدیک شاهد استعمار و وحشیانه و سلطه جوئی
امپریالیسم انگلستان از طریق کمپانی نفت بودند
با همبستگی و ایجاد تشکیلات کارگری مبارزات خود
را علیه دولت دست نشانده قوام السلطنه و امپریالیسم
انگلستان شدت بخشیدند.

در ۱۴ اردیبهشت سال ۱۳۲۵ نزدیک دهه هزار
نفر از کارگران و کارکنان صنعت نفت آغا جاری سا
خواستهای صنفی دست به اعتصاب زدند، اعتصاب این
کارگران پس از ۱۵ روز (۲۹ اردیبهشت) و بدنبال
قول کتبی هیئت اعزامی شرکت نفت مبنی بر پاسخ -
گوشی به خواستهای آنان پایان پذیرفت.

از جمله خواستهای این کارگران پرداخت حقوق
روزهای جمعه بود که شرکت نفت انگلیس شرط قبول آن
را تصویب قانون کار اعلام کرد. که در ۲۸ اردیبهشت
ماه سال ۱۳۲۵ لایحه آن از طرف هیئت دولت بصورت
تصویب نامه ای صادر گردید.

اما کارفرمایان انگلیسی در عمل از اجرای این
قانون (ماده ۶ قانون کار) که در ۲۸ اردیبهشت ماه
بدنبال اعتصاب پیروزمند کارگران آغا جاری تصویب
شده بود و بر اساس آن کارفرمایان می باید حقوق
روزهای تعطیل را به کارگران پرداخت میکردند، سر
با زدند. در این رابطه و به نشانه اعتراض به عدم اجرای
ماده ۶ کلیه کارگران و کارکنان صنعت نفت از صبح
پانزدهم تیرماه در سراسر مناطق نفتخیز خوزستان از
جمله آغا جاری، مسجد سلیمان، اهواز، آبدان، گچساران

بندر محشور... دست به اعتصاب زدند.
شرکت نفت برای اجرای ماده مذکور بایزده روز مهلت
خواست، اما پس از انقضای این مهلت همچنان از اجرای
ماده فوق خودداری نمود.
سرانجام کارگران در ۲۳ تیر ۱۳۲۵ خشم و نفرت
خود را از امپریالیسم انگلیس و عمال جیره خوار داخلی
با اعتصاب عظیم و صد هزار نفری خود که تا آن زمان بی
سابقه بود و سراسر تأسیسات نفت جنوب را در بر میگرفت
ایران داشتند.

- برخی از خواستهای آنها عبارت بود از:
۱- قطع نفوذ شرکت نفت انگلیس در امور سیاسی
و داخلی ایران
۲- برکناری مصباح فاطمی استاندار خوزستان
۳- خلع سلاح عشاری جنوب
۴- اجرای کامل قانون کار (از جمله پرداخت حقوق
جمعه ها به کارگران)
۵- ...

اما اعتصاب آرام کارگران در همان روز نخست
خود موردتهاجم وحشیانه نیروهای ارتجاعی از جمله
سریازان و "اتحادیه عشاری" قرار گرفت. کارگران
قهرمان در برابر تیراندازی و حملات نیروهای مذکور
به مقاومت برخاستند و ساعت ۱۲ شب ۴۷ کارگر
رزمنده نفت شهید و ۱۷ نفر زخمی شدند. در این تهاجم
حتی با شکارها و تهاجم های کارگری مورد حملات و
چهارول قرار گرفتند.

در اعتراض به این کشتار وحشیانه و به نشانه
بشتیانی از خواستهای برحق نفتگران، کارگران و
زحمتکشان دیگر شهرهای ایران با برپا شدن میتینگ
و تظاهرات خشم خود را نسبت به امپریالیسم انگلستان
و عمال داخلی نشان دادند.

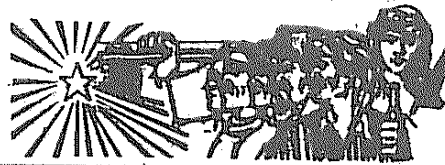
دولت دست نشانده قوام السلطنه پس از کشتار
وحشیانه کارگران صنعت نفت، هیئتی چهار نفره
میرکب از مظهر فیروززماون نخست وزیر، آراشی حکیم
رادمش و دکتر جودت را به خوزستان اعزام داشت. زده
نفر اخیر یعنی رادمش وجودت از طرف حزب توده گه
در آن زمان در آستانه همگاری با دولت و مشارکت
کا بینه ارتجاعی قوام قرار داشت، اما مور شده بوده است
این هیئت توانست با قول و قرارهای نظیر رسیدگی
به خواستهای کارگران و محاکمه و مجازات عاملین
کشتار، اعتصاب کارگران را به شکست بکشاند. اما
دولت نه تنها مسئولین آن جناحیات را از دادگاه بلکه
رهبران اعتصاب را دستگیر، زندانی و تبعید نمود.

به این ترتیب حزب توده سندی دیگر از غیبت
خود به کارگران و زحمتکشان و همدستی با عمال امپری-
الیسی در تاریخ مبارزات طبقه کارگران ایران به ثبت
رسانید که میتوانند تجربه بزرگی برای کارگران ایران
در شناخت این حزب باشد.

روزی نامه مردم در شماره ۳۹ خود، آنجا که از
"تجربه ۲۳ تیر سخن میگوید بدون کوچکترین اشاره -
ای به خیانت خود فرست طلبانه از کارگران میگذرد! با
توجه به سابقه و مهارت این حزب در تحریف و قاطع و
دروغپردازی از هم اکنون میتوان پیش بینی کرد که
در شماره ۲۳ تیرا مسائل نیز همچنان که مال قبل سا
سرپوشی بر روی واقعات از کارگران بگذرد.
ادامه دارد.

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

خلقها و مسئله ملی



پیام شیخ عبدالدین حسینی

بسم الله الرحمن الرحيم

پیام به خلق های ایران!

خلقهای رزه دهن ایران!
آزادخواهان سراسر کشور!

اکنون دوستان را چنگ حملهی درگرددان می -
کند. در اس دوماه رسی و با مداران ارجاع
ارهیج جنایت و کشتاری درگرددان درخ نگرده اند
ساستها هم سرکوب، سمنان راهای هوایی، کلولد
نارایان و سوپ نارایان مدا و مسپرها و روسا های کردستان
و کشتاری سرخمانه مردم سد فاج به هاست در حصار
و خنجر و خنوب رسده است.

حسابات هاست خاکه در سنج و سفروا به بندری
هولیا کاست که خلق کرد در طول ۵۰ سال لطلب و
جنایت خاندان نکین سلهوی هرگز با سراسر ایدید
است.

اجرا طرحی نام ۱۹۰۰ طرح مشرک ارس و
سپاهیان ساران با مشا و در فسر با جمهوری در مورد
کردستان بدست یکی ارنیروهای ملی کردستان
اندا داده است، افشای این طرح برونشی و وضوح نقشه -
های تولید و سیاستهای ضد مردمی هاست خاکه ارجاع
را در مورد کردستان و خلق کردستان میدهد. این طرح
درواقع سد سوای جنگ افروزان و مهاجمین است
کردستان است.

برای هراغلابی و هرا آزادخواهان ایرانی سکان
دهنده و جیدان آوار است که این طرح سردمداران جمهوری
با مصلح اسلامی جقدر با سیاستهای سلطنت ۵۰ ساله
پهلوی در مورد کردستان هماهنگ و میطبق است، بدون
سردید همه خلقهای ایران، پس از آن مبارزات خونین
مشترک و مسجهای درختان و متحدان به علیه نظام مپوسده
وظالمانا سنا هی، اکنون آزادان مد فقیق و سبوه دار
سیاست دوران سلطنت علیه خلق کردان برآزمیرو
انرا چر میگرد.

رژیم شاه سعی نمیکرد از اتحاد مبارزانی خلقهای
ایران جلوگیری بعمل آورد و خلقهای ایران را یکی
پس از دیگری و جداگانه سرکوب نماید، سیاستی که
آزمان رضا خان تعقیب میکند. هیات خاکه کیونسی
دقیقا همین سیاست را دنبال میکند و در رسده ۱۰ طرح
۱۹ ماده ای مینویسد:

۱- "ماثل کردستان با بداردید سلیفا تسی
انظرنا بر اولیتنها فومی دیگرسی اهمیت طلبوه
داده نمود؛ دیوب تلویزیون آراناسی فیدی تلفی
ساید."
رژیم کیوسی که در مقابل خواست اکثریت عظیم
و قریب به اتفاق خلق کرد در مورد خود مختاری جرئت

ملی صرح آرانداست، به عوام مغربی مومل میند
و نگرا اردهان سردمداران مختلفین اعلام میگردد که
جنسیت و ملت خلقی کرد بر سر کلمه دعوا میکند و گرسه
خود کرداری ما خود مختاری جعفری دارد، و وانگهی
هرگز در اسلام خود مختار است!

اکنون بدسات واقعی هاست خاکه در سورد
مسئله ملی و خود مختاری نظری بنا سازیم: "بند ۱۱
- چون خود مختاری کردستان با اعزاز هم پیا سدن کنی
و حدت اسلامی و عدم خاکمیت دولت در جمهوری اسلامی
است و لذا این مسئله با اعلان اسلامی سراسر ندارد
با داس افکار ملی گرانان را برای همیشه نابود
کرد."

دردوران شاه ما موری دولتی و اسران و مردور
- آن کرد را حتی المقدور به ناطق غیر کرد میفرستاد
- ندنا بدیوسوله ریزدگی و ارساط آنها با حسن
طبی و آزادخواهان خلقی کرد جلوگیری بعمل آورد.

طرح رژیم جدید سردمدار کردستان عباس
ساست را دنبال و نگرا میکند. بند ۱۳ طرح مینویسد:
"کوتن سورد در ارتش قرار دگرد زبان که در خدمت
نظام میند به ناطق دیگران افعال داده نمود. ساساز
سربکات در سرن ارتش دورا سنا."
هیات خاکه ارجاعی و سرکوبگرک در سنا سنا
و با انسی راهها را سنا به قرار میدهد و میزور انداعنا
میگرد که محاصره اعتمادی کردستان در کار نیست، ولی
عدم نیست راهها مانع رسیدن مواد غذایی و داروئی
و سوختی به کردستان است.

بیروهای اغلابی کردستان به موضع این عوام -
فریبی ها را امتنا کرده و مردم سراسر ایران را در جریان
محاصره اقتصادی کردستان قرار داده و اکنون افشای
طرح مشرک ارس، سیاستها ساران و دفتر ریاست
جمهوری در مورد کردستان سیاست غیر انسانی دولت
را بر ملا میارزد و حقانیت و صداقت بیروهای ملی کرد
را در اظها را نشان و عدم راستگوشی و تحریف و تعصب
را از طرف هیات خاکه نشان میدهد.
بند ۱۵ طرح عینا مینویسد:
"خلفه محاصره را در کردستان تسکین سنا کنیم."

هیات خاکه برای تخریب و منحرف ساختن افکار
عمومی، بیروهای اغلابی و مشرکی را به ایجاد جنگ و
ناآرامی منظم میکند، ولی مردم آزادخواهان ایران با
افشای این سنده عیان می بینند که این هیات خاکه
ارتجاعی است که تروریسم رسمی و دولتی را از زمان
میدهد و در بند ۱۶ مینویسد:
"افراد آگاه و مسئول سه گروه سیاسی را به -
دوام

اسازیم."
در تارخ همیشه بیروهای ارتجاعی و ضد مردمی
حفظ سلطه خویش را کشتا و سرکوب ما رزن دهنده اند
و این سوهما طل را داد سنا اند که ما کشتن و اندامنی
جدا رما رزن و پشروان حسن مینوا سنا رسیرو -
های اغلابی زهر چشم بگیرد و جسمینهای حق طلبانه
را سرکوب و خاموش کند.

هست خاکه جنگ افروزی سرحل مسئله ملی
کردستان را در سرکوب جینت و ملت خلقی کسرد و
سرکوب جینت حق طلبانه خلق کرد را در اعزام رزن
کردمی بنیند، و در بند ۱۷ از طرح مشرک عینا مینویسد:
"ما اعزام مراد سنا نعلات با عت نسوسی و حرمسان
کردستان نوم."
و با لافره هاست خاکه که سروه های ملی و سرفی
کردستان را به سجزه طلشی منظم میکند خود در عیصل
بزرگترین مانع دروا نفا هم وطن و سنجیم سیرود -
های وحدت و اخوت خلقهای ایران است.
در بند ۱۹ طرح مشرک آمده است که:
"دولت باید سوای رگم سندی کردستان را تقویت
بخشد با ستون از این طریق جنسیت ملی را در
داخل سزا سوراورد."

ولی جنگ افروزان و مریجینان سنا که وحدت و
بیوندی رزاسی خلقهای ایران منستحکما از سناست
که آنها بیوانند سفسه های بلیه و مدخلی خود را در موزد
کسندن سوار رگم سندی بدور کردستان و مسترد کردن و
خدا ساختن آنها را سیرضا ط ایران عملی سارسد.
خلقهای سمدیده ایران!

حسنیت و ملت خلق کرد. خانه های فرا سوش
سندی سیرد سنا سنا، و ما دست دلیرانه سنا، با سسور
میریان و آسهم از خود گشتگی و قریاسی دان این
خلق بدیاسته سنا سنا با طرا حقا و حقوق ملی خلش
گرد نیست، کردستان با طرها سنی ایران از نیست
مرون و سنا سنی، با طرا سنا آزاد دنیای دیکرا تیک و
اجناب به شخصیت انسانی، با طرا حقوق ملی و طبیعی
همه خلقهای سمدیده ایران و با لافره برای ایجاد
دگرگوشی و بنیادی در نظام اجتماعی - اقتصادی و
ارزین سرن فقر و سگدسی و ظلم پیا خاست.

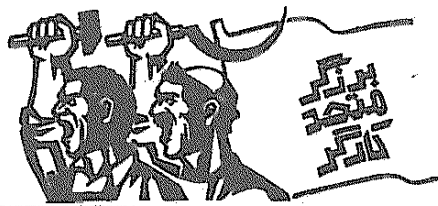
مردم آزادخواهان ایران!
آنده آزادی و سبزیستی در ایران و سسنا ای
سنا سنی - اجتماعی کنورمان با آئینه سندی که هم
اکنون در کردستان در جریان است، منظور جدا تسی
با بدیری گره خورد است.
با آزما میخواهیم همه سنا خلقی که در اختیار
دارید و از زهمه راهای ممکن بسیاری کردستان و خلش
سندیده کرد سنا سنا، دست جلادان را از آزادان سنا سنا
و کشتا روویرایی در کردستان با زاراید و جنگ افروز -
ان را در برابر افکار عمومی رسوا سنا سنا.

هیات خاکه به ما سنده مرتجعین که علیه حق و
عدالت میجنگد به سیاست نهمت و انشرا و تا سینه پراکتی
مخول میشود. در همین طرح موزد بحث بعنوان دستور
- العمل نسلینا سنی به سنا ساران تذکر داده مینویسد
که بیروهای سیاسی کردان وابسته به بیعت عراق و
رژیم شاه سابق معرفی سنا سنا.

بقیه در صفحه ۱۳

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

جنبش دهقانی



دهقانان و جنبش انقلابی (۲)

توضیح: اولین قسمت این مقاله را در پیکار شماره ۵۸ مطالعه کردید. اینک دومین و آخرین قسمت آن را از نظر شما می گذرانیم.

تاکتیک کمونیستها در برخورد به اقلیت دهقانی

کمونیستها همواره از موضع پرولتاریا به جنبش دهقانی می نگرند و از این دیدگاه است که از مبارزه دهقانان بر علیه زمینداران و مالکین سرمایه داری وابسته پشتیبانی می کنند. قبلا گفتیم که برخورد کردن به دهقانان بعنوان یک کل یکبارچه کاملاً نادرست بوده و نتایج خصومت هر قشر دهقانی، دیدی تمام خلقی است که نهایتاً به نفع بورژوازی تمام می شود. در تمام جنبشهای انقلابی در روستاها، همواره کارگران کشاورزی و دهقانان فقیر هستند که نیروی اساسی مبارزه را تشکیل داده و وقت طغیان و جرات کافی در پیشبرد مبارزه دارند. در کشور ما بویژه پس از قیام بهمن ماه که جنبش دهقانی به سطح رشد و اعتلای انقلابی قابل توجهی دست یافته است ما تا حد آن هستیم که در تمام مبارزات انقلابی علیه زمینداران و سرمایه داران ارضی همواره این کارگران کشاورزی و دهقانان فقیر اند که پیشرو بوده و مصداق در انقلابی را در دستور قرار داده اند. افکار کمونیستی و انقلابی نیز در میسان همین نیروها سریعتر نفوذ و توسعه پیدا میکند.

لیکن در برخورد به دهقانان در مرفه و بگونه ای دیگر است. نیروهای انقلابی مل با بستی متناسب با هر چه بگیری که دهقانان مرفه در دوره و مقطع از مبارزه انقلابی انجام می دهند و بنا بر مصالح پرولتاریا و با توجه به منافع دهقانان فقیر، تاکتیک مناسبی را در پیش گیرند. مثلاً هنگامیکه دهقانان مرفه در پیشبرد انقلاب شرکت دارند، نباید بستی اقدامی در جهت مصداق موال زمین هایشان در بین باشد، بلکه با بستی با آنان برخورد دوگانه انجام گیرد، (یعنی از مبارزه شان پشتیبانی کنیم و تماماً بایلات و گرا - بیات سازنگاران را افشاء و طرد کنیم). در حالیکه دهقانان مرفه دوش بدوش خدا انقلاب علیه نیروهای انقلابی، کارگران کشاورزی و دهقانان فقیر فعالیت می کنند، نیروهای انقلابی با بستی تاکتیک مبارزه را متناسب با سطح مبارزه و خواست انقلابی زحمتکشان روستا و اقدامات عمده مبارزه دهقانان مرفه در پیش گیرند (به این معنی که مثلاً قسمتهاشی از زمین های آنان که بیش از احتیاج معیشتی آنان

دهقانان مرفه و در روی انقلاب قرار گرفته و سطح مبارزاتی کارگران کشاورزی و دهقانان تهیدست بالا بوده و پرولتاریای روستا و دهقانان فقیر خواهان مبارزه در دهقانان مرفه هستند از این خواست آنها پشتیبانی می کنند، زیرا این امر در جهت پیشبرد مبارزه طبقاتی است و همچنین با توجه به چشم انداز آن در جهت تقویت عناصر و سرمایه بستی انقلاب باشد.

بدون شک با طرح این مسئله اولین چیزی که به ذهن خوانندگان خطور می کند، این است که اولاً ما این سطح از مبارزه طبقاتی در روستا (یعنی مبارزه کارگران روستا و دهقانان تهیدست بر ضد دهقانان مرفه) را در حال حاضر چگونه می بینیم، تا آنجا میسر حرکت آن در آینده چگونه است و تا آنجا جنبه گینستی دهقانان مرفه بطور عموم و سراسری در رابطه با انقلاب و ضد انقلاب چگونه است؟ پاسخ سؤال اول را قبلاً دادیم و گفتیم که جنبش خصوصی بصورت موارد خاص را نمیتوان عمومیت داد. پاسخ سؤال دوم این است که در حال حاضر جنبش دهقانی یک جنبش عمومی و سراسری نیست. سطح این جنبش بطور عمومی از این

است و با زمین هائی را که به دهقانان فقیرا جاره می دهند مصداق هستند. هنگامی نیز که دهقانان مرفه در موقعیت خنثی قرار دارند (یعنی، نه طرف ضد انقلاب را می گیرند و نه علیه انقلاب توطئه میکنند) با بستی کوشش کرد که در صورت عدم حمایت از انقلاب حداکثر منفرد شوند و از همکاری آنها با ضد انقلاب جلوگیری بعمل آید.

- کمونیستها همواره از موضع پرولتاریا بر جنبش دهقانی می نگرند و از این دیدگاه است که از مبارزه دهقانان بر علیه زمینداران و مالکین پشتیبانی میکنند.
- کمونیستها با بستی در روستاها در جریان شرکت فعال در مبارزه انقلابی، پرولتاریای روستا را بصورت مستقل سازمانند می کنند و از این طریق اعمال قدرت کارگران کشاورزی هر چه بیشتر اتحادیه ها و شوراهای کار را دیکتاتور می نمایند.

بابت هنوز به نفع کافی و رشد همه جا نرسیده است به این اعتبار است که دهقانان مرفه علی العموم در مقابل زحمتکشان روستا قرار ندارند. به عبارت دیگر با رشد مبارزه طبقاتی و اعتلای بیش از پیش مبارزه توده ها و با تبعیض هر چه سطح جنبش دهقانی بالاتر رود هر چه نقش عمده تر آن در سمت دهی آن تعیین کننده تر باشد. دهقانان مرفه بیشتر در مقابل جنبش دهقانی می خورند ایستادگی میکنند و در پاسخ به مسئله سوم با بستی گفت که متناسب با اطلاعات کافی برای پاسخ نداریم که این مسئله را در سطح عموم کشور نشان دهند. لیکن اطلاعات موجود نشان که از لحاظ کلی دهقانان مرفه در موقعیت بی تفاوت و خنثی قرار دارند.

نحوه شرکت و فعالیت اقلیت دهقانی در اتحادیه ها نیز متفاوت است. هنگامیکه عمده تر آن پرولتاریای روستا وجود داشته باشد با شجریان خود بخودی مبارزه دهقانان و تشکیل اتحادیه ها بدون شک دهقانان مرفه را در این اتحادیه ها قرار میدهد. قرار گرفتن دهقانان مرفه در این اتحادیه ها به معنی خالی شدن جنبش اتحادیه های از خصلت انقلابی نمی باشد. بعکس هنگامیکه جنبش دهقانی بحال خنثی و گداشته نشده و از آن دنبا له روی نشود، و کمونیستها در این جنبش نقش فعالی داشته باشند، رهبری اتحادیه های دهقانی در دست کارگران کشاورزی و دهقانان فقیر خواهد افتاد (۲). کمونیستها با بستی پیوسته در روستاها در جریان شرکت فعال در مبارزه انقلابی، پرولتاریای روستا را بصورت مستقل سازمانند می

هم اکنون در کشور ما در مناطق مختلف و بسته به درجه و نحوه رشد مناسبات سرمایه داری با حفظ بقایای فئودالیسم، آرایش طبقاتی و... اشکال مختلف از جنبه بگیری دهقانان مرفه وجود دارد. با بستی این اشکال متفاوت در مناطق مختلف دید و تاکتیک خود را که فوقاً شرح دادیم متناسب با مناسبات و مواضع نیروها اجراء نمود. بعنوان مثال در کردستان بخاطر نقش خا نیا و فئودالیهای سابق و تهدیدی که علیه دهقانان بطور عموم اجراء کرده اند، ویژگی های متملی و طبقاتی مبارزه با دولت فدا خلقی حاکم، دهقانان مرفه در جنگ مقاومت تا حدودی شرکت می کنند. ولی در عین حال هنگامیکه دولت علیه جنبش از ارزش با نیروهای سازشکار وارد میشود، دهقانان مرفه تماماً بایلات سازشکارانه بروز داده و خواهان سازش با رژیم خواهند شد. در شمال ایران که مناسبات سرمایه داری گسترش بیشتری یافته است مواردی دیده شده است که کارگران کشاورزی با حمایت دهقانان فقیر خواهان مصداق راضی دهقانان مرفه میباشند. بدون شک این مسئله از اثرات سیاسی قیام بهمن ماه نیز می باشد. با رشد آگاهی طبقاتی کارگران کشاورزی و دهقانان فقیر به اعتبار نقش عمده تر آن در سمت دهی جنبش دهقانی، زحمتکشان روستا در جریان مبارزه با زمینداران و مالکین بزرگ به جنبه ضد سرمایه داری مبارزه طبقاتی خود آگاهی یافته و قطعاً در جهت نابودی سرمایه داری وابسته و نفی سلطه سرمایه به پیش می روند. رشد مبارزه طبقاتی، عامل ذهنی و مناسبات سرمایه داری موجود از عوامل اساسی این سمت گیری می باشد. کمونیستها در شرایطی که

کار برای کارگران، زمین برای دهقانان

بقیه در صفحه ۱۳

گرانی: فرزند طبیعی نظام سرمایه داری (۲)

عرضه ارزان را در پول سبب تولید موحس
ارزان نموده است.
نگاهی به تولید داخلی ملی و نقدی است
(پول) به (پول) در دوره های ۵۱ تا ۵۷ سال
بی دهنده نقد ریول در گردش در آن دوره ۲/۴ برابر
سرعتر تولید داخلی ملی رخ داده است - گرانی
سالانه یک مرکب ۵۷ - نور در دو سال اخیر است
به نالیاتی نقل ارقام افراش سسری سربانه
است (افراش نهای عمده فروشی در سال ۵۵ برابر
۲۵ و در سال ۵۸ ۳۳/۶ برای سال ۵۹ حدود ۵ درصد
سی سی است) - در دو سال اخیر سه سها عرضه کالا
بدلیل رکود تولیدات انحصادی و در آن اواخر سه
دلیل سرریز از نظام وارداتی که سه نانه
است، در مقابل، دولت نیز از طریق چاپ و وارد کردن

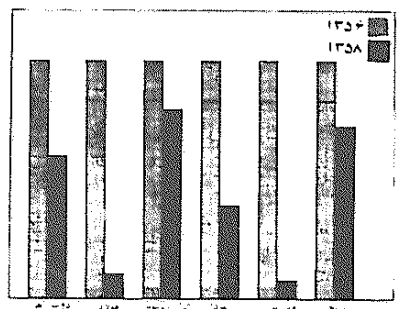
های خدمتینی که برای ۹ ماه اول ۱۳۵۸ نظم
ده می باشد.
احتمالاتی کدام کسب در فروش کالا برای مصرفی
و واسطه ای وسط کسب های امیرالسنی موجود
آمده و واسکی خدمت خود خدمت فروش نفت ۸۰۰ بود
افزایش نسبتاً بی سود (و گاهی که اخیراً در
فروش نفت ما همه سود دولت بی حد را به حداقل
۲ میلیون سکه است که برای ۳۵ دلار ضروری است
ارزید است آمد طخ واردات را در سطح فعلی که -
دارد و بالاخره سکلانی که در سبب جبری خلاصی در
افزایش سرمایه گذاری سهم رخصت کند با آن
روروس و در سراسر ملی که عمده از گردش پول سبب
انجام می شود، بر سه بار هم چیزی برای بالا رفتن
نسبت اجناس در بازار را برآورد می گردد.

در سراسر دلیل برای توضیح گرانی با افراش
سبب قیمت اجناس به حدنگاه سی ضروری است
مسئولین رژیم در باره علت گرانی بر داختم و
برج دادیم که گرانی محصول طبیعی و سایر
سبب سرمایه داری و سبب مانه کشورهای امیر-
بالسنی است، و در باره علل اساسی آن سبب
واسکی تولید داخلی به کشورهای امیر-
بالسنی اشاره نمودیم و اینکه توضیح سایر
عوامل اساسی گرانی می توانیم:

۲- رکود در تولید و کاهش

سرمایه گذاری در واحدهای تولیدی

علت دیگر گرانی و بالا رفتن سرمایه آورده
اجناس رکود در تولیدات کارخانه داخلی است
موجب گرانی است که مرکز ایران که در تولیدات
داخلی در سال گذشته نسبت به سال ۴۰،۵۶ تا ۷۰ درصد
بود، اخیراً عرب الله خانی بریت سارمان بر نامه
و بودجه سیرکمت که در تولید کارخانه داخلی در سال
پیش نسبت به سال ۵۹ مثبت ۶۰ بوده است. البته
رکود در تولید سبب ما دوره محدود است، بلکه
تقریباً اکثر بخش های صنعت ما را فرا گرفته است.
نمودار (۱) که در روزنامه تعدادی از آرای سال ۴۸
عیناً نقل می شود، تولیدات ۵۸ را در جدول
صنعتی در مقابل تولیدات ۴۳ سال سبب



در سبب که در تولید در بخش صنعت - عرضه
کالاهای این بخش در بازار و کمبود و در شرایطی که
مقدار پول در گردش شدت زیاد می شود (در آن مورد
در بحث رشد تورم صحبت خواهیم داشت)، افراش قیمت
اجناس را بوجود می آورد، رژیم جمهوری اسلامی ما در
دست داشتن ارزهای خارجی که از فروش نفت عاید می
شود برای جلوگیری از کاهش عرضه کالا به بازار،
و سبب به وارد نمودن کالاهای خارجی پرداخت و در این
مورد خود بی سود بود و ماه پیش گفت که مانه امیریا -
لیت ها پیش از زمان نا دجاش و سبب ندهد اسم از طرف
دیگر رژیم تمام کوشش خود را در جهت تاراجی و سرمیم
وضع اقتصادی موجود را زگرداندن آن به وضعیت
سابق معطوف داشت، اما علت سرمایه ها برای تار-
جاری وضع موجود دلایل زیر است:

- ۱ - نرخ سود زیاد سرمایه در بخش توزیع -
 - ۲ - عدم تمایل برای سرمایه به علت مازرات اوج -
 - ۳ - کسب شده بوده های رخصت مخصوصاً طبقه کارگر بر
علیه سرمایه داری -
- جدول زیر که توسط بانک مرکزی (فروردین ۵۸)
ارائه شده است که نشان می دهد سرمایه گذاری در واحدها -

در چند ماه گذشته مردم زحمتکن ما شاهد بالا رفتن قیمت اجناس زیادی مثل سیگار، گوشت، سیان، نان،
ماست و... که در دست دولت می باشد، بودند. مخارج عظیم دولت برای حفظ و بازسازی دستگا ههای
عریض و طولیل بوروکراسی و اداری ریم، سابق، هزینه های سرسام آور، سپاه پاسداران و ارتش و... در
سرکوب خواستهای توده های زحمتکن و مبارزات خلقهای قهرمان میهن ما، کمک و اعتبارات وسیع دولت
به سرمایه داران جهت بازسازی و توسعه اقتصاد وابسته کشور ما و... رژیم جمهوری اسلامی را وارد اریسه
چاپ اسکناسی بیست و نه می کنند.

اسکناسی که در بازار بطور روروزی ارزش پول را با شن
بی آورد. جمله بانک مرکزی فروردین ۵۸ نشان می -
دهد که دولت در یک فقره در اقتصاد ما ۱۳۵۷ اقدام به
چاپ و اسکناس اسکناس سبب اسکناسهای
مستمره آن موضع نموده است (اسکناس های مستمره
تا تاریخ اقتصاد ۱۳۵۶ برابر ۴۰۰/۰۰۰ میلیون ریال
و در تاریخ اقتصاد ۵۷ برابر ۹۱۲/۰۰۰ میلیون ریال می -
باشد). دولت سبب با افراش پول در گردش ارزش
پول را با شن بی آورد بلکه سبب با بالا بردن
صنعت اجناس که تولیدات در دست دولت می باشد به
رشد و بالا رفتن هزینه زندگی مردم فقیر و
زحمتکن ما بین از سبب ما می زند. در چند سبب
گذشته مردم زحمتکن ما شاهد بالا رفتن قیمت اجناس
زیادی مثل سیگار، گوشت، ماست، نان، ...
که در دست دولت می باشد، بودند. مخارج عظیم دولت
برای حفظ و بازسازی دستگا ههای عریض و طولیل بور-
وکراسی و اداری رژیم سابق، هزینه های سرسام آور
سپاه پاسداران و ارتش و... در سرکوب خواستهای
توده های زحمتکن و مبارزات خلقهای قهرمان میهن
ما، کمک و اعتبارات وسیع دولت به سرمایه داران
جهت بازسازی و توسعه اقتصاد وابسته کشور ما و...
رژیم فخر خلقی جمهوری اسلامی را تاراجی می سازد تا
هر چه مستمره با چاپ اسکناس بدون پشتوانه و بالا بردن
صنعت های کالاهای که تحت انحصار دولت و با توسط
دولت ساخته می شود بپردازد. این امر نتیجه ندارد
زیرا که نظام سرمایه داری وابسته با گرانی را به
جود می باشد. و سبب چنین سبب سبب ما تا نا سودی
سیستم موجود که گامان ادامه خواهد داشت.

۴- احتکار و واسطه گری

یکی دیگر از علل گرانی اجناس احتکار کالاهای
و واسطه گری در میان دلالت اجناس است. در وضعیت
کنونی جامعه ما و با شرایطی که فعلاً بحث شد، کالاهای

برای جهت گیری برای سرمایه داری در واحدها -
های خدمتینی بانک مرکزی اقتصاد ۵۸ - میلیون ریال

درصد تغییر	۱۳۵۸	۱۳۵۶	۱۳۵۴
صنایع غذایی و آشامیدنی	۹۷۷	۲۴۱۶	۶۹/۶
صنایع نساجی و پنبه‌کار	۶۸۸	۶۸۲۰	۶۰/۰
صنایع کفشدوخت و نساجی و لولری و چاپ	۱۷۰	۶۰۷۵	۷۱/۷
صنایع سیمان و سرامیک	۵۵	۳۳۶۲	۸۳/۶
صنایع محصولات فلزی	۱۲۰۵	۲۹۰۷۱	۹۵/۲
صنایع ماشین آلات غیر الکتریکی و برقی	۶۳۶	۱۹۷۶	۶۷/۸

۳- رشد تورم

در رابطه با گرانی رورامون اجناس دو عامل مهم را
مذکر شدیم، و سبب دادیم که آن دو سبب واسکی شد سبب
اقتصادی مایکسورهای امیرالسنی و رکود تولیدات داخلی
در ارساط مستقیم سبب سرمایه داری و اسبب حاکم
در جامعه می باشد. و با زمانیکه این سیستم است
گردد و سبب واسکی های مانه کشورهای امیریا -
لسنی قطع و رسیکن نگردد، سبب سبب سبب
به با شن آمدن صنایع اجناس ضروری زحمتکنان و
سوده های فقیر است. اکنون به مسئله سبب سبب
و جسم سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب
وسمی مقدار پول (پول رایج، اعتبارات، چک ها،
ارزای سبب و...) سبب سبب سبب سبب سبب
و سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب
مورد احتیاج مصرف کنندگان سبب سبب سبب سبب سبب
پول سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب
به کاهش ارزش پول و سبب سبب سبب سبب سبب

پیکار

از وقتی که در داخل تولید میشود یا از بازارهای جهانی خریداری میشوند تا وقتی که بدست مصرف کننده برسد، ممکن است چندین بار دست بدست بگردند. کالا در هر بار که توسط واسطه (به مصرف کننده) خریداری و به واسطه دیگری فروخته میشود، مقداری برابرسود بین میاندان به قیمتش اضافه می شود. مثلاً برای زیادی از این واسطه گری وجود دارد. مثلاً تا جری کالائی را از خارج می خرد، کالا قبیل از اینکه وارد ایران بشود، چندین بار به اقباراد مختلف فروخته میشود. و با حواله فروشی یکی از امتداد و لبرترین نوع دست بدست گردیدن و واسطه گری است. تا جری قسمتی و یا همه تولیدکارخانه را که در آبنده کالای مورد نظر را تولید خواهد نمود، به صورت حواله ای می خرد. معمولاً بازرگان در این موقع تمام مهول کالا را به کارخانه می برد. تا جایی که کالا صاحب حواله است به این معنی که قبیل از اینکه کالا تولید شود توسط تا جری بتجوی احتکار شده است. این حواله ممکن است قبیل از اینکه حتی موعده تحویلش برسد توسط چند واسطه خرید و بفروش برسد. آخرین فردی که کالا را از کارخانه دریافت میابد، چه بسا ممکن است چندین بار بر قیمت واقعی آنرا پول پرداخته باشد. تازه خود کالا بعد از تحویل نیز چند دست ممکن است بگردد تا بالاخره به عمده فروش و از آنجا به تکفروش یا خرده فروش و مصرف کننده برسد. بنا بر این تنها سرمایه دار صاحب کارخانه نیست که مستقیماً از استثنا رکارگان و زحمتکشان ما بهره می برد. بلکه هر بار یک کالا دست بدست میشود و سودی عاید می آید و واسطه های مفت خور میگردند، بخشی از ارزش اضافی کارگران نصیب آنان می گردد. جالب توجه است که اکثر این دست بدست شدن کالاها معمولاً بصورت موری و توسط تلفن انجام می پذیرد. به این صورت که نه پولی بین خریدار و فروشنده رد و بدل شده و نه جنسی جابجا می گردد. در چند ماه گذشته تعداد بسیار زیادی دفاتر کارخان خرید و فروش کالا و حواله است تا سپس شده و از طریق خرید و فروش کالا پولهای کلانی نیز به جیب زده اند. علاوه بر اینها اکثر شرکت های با عنوانی قدیم امروزاً داشتن کارت بازرگانی که دولت در اختیارشان می گذارد، بجای فعالیت تولیدی به فعالیت بازرگانی مشغول شده اند. اخیراً حتی مطبوعات بورژوازی نیز سیستم توزیعی موجود در بازار را به نوعی از بنادتها کاران ما فیا ثی تشبیه نموده اند که عفاً آنرا عناصر "تجار محترم" (اصطلاحی که آیت الله خمینی بکار می برد) که صاحب سرمایه های کلان نیز هستند، تشکیل می دهند. نفوذ دربانند این این افراد کثیف و مفتخور کارساده ای هستند. این افراد نه تنها از جمهوری اسلامی شدیداً دفاع میکنند، بلکه مورد حمایت شدید رژیم جمهوری اسلامی نیز قرار داده و یکی از پایه های طبقاتی تحکیم رژیم را تشکیل می دهند. تجار معمولاً در یک حیره کوچک خالی می نشینند ولی انبارهای بزرگان همیشه و مخصوصاً بعد از تأسیس جمهوری اسلامی پراز کالاها میسورد احتیاج مردم است، تا در فرصت مناسب آنها را با قیمت هر چه بیشتری به خریداران بفروشد. نفیست توده های وسیع مردم نسبت به دلالان، واسطه گسران، محتکوران و بازرگانان بزرگ بعدی زیاد است که حتی مسئولین رژیم جمهوری اسلامی همگامی مجبور میشوند برای جلب توجه مردم زحمتکشان با بدو غ مهیت هاشی نیز بر علیه آنها بکنند ولی در عمل آ با زآب تکسان

تحتیماً آدا به واسطی به واردات محصولات کشاورزی از کشورهای امپریالیستی یکی از اثرات مهم دیگرگرانی می باشد. علاوه بر آن خرده بورژوازی با شین و متوسط شهری کارمندان و کارکنان جز ادارات و موسسات که دارای دستمزدهای در آمد کم و ثابت هستند، با رگرانی رابطه دوش می کشند و زندگی شان روز به روز به فلاکت می افتد. آنها ناچارند هر روز بیشتر از مصرف زندگی خود بکا هندا خرج شان معادل درآمدشان شود. در یک کلام شما با رگرانی مستقیماً بر روی دوش اکثریت خلسن سنگینی می کند و آنان را به مبارزه ای بی امکان علیه نظام حاکم می کشاند.

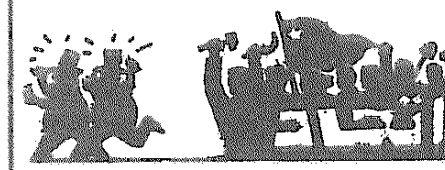
اثرات گرانی بر روی زندگی زحمتکشان

سنگینی یا رگرانی در درجه اول مستقیماً بر دوش کارگران و زحمتکشان منتقل میشود. چرا چنین است؟ زیرا سرمایه داران با بالا رفتن قیمت کالاها و مواد اولیه مورد نیازشان سلفاً مله ماگران کسردن بیش از پیش قسمت کالاها را که خود تولید می کنند و با فروش می رسانند. این امر را جبران کرده آنرا بدوش مصرف کنندگان کالاها که اکثریت شان کارگران دهقانان و خرده بورژوازی با شین و متوسط است منتقل می کنند. در حالی که کارگران که دستمزدهای ثابت میگیرند ناچارند با افزایش گرانی قیمتها را تحمل کنند. افزایش دستمزدها کارگران به مراتب کمتر از رشد سرمایه و قیمت است و هر روز که می گذرد آنها قوم خریدشان را کاهش پیدا می کند. مثلاً در حالی که به قیمت کالاها بین ۲۰ تا ۲۵ درصد بیشتر افزوده شده است دستمزدها کارگران در سال جاری درصد بالا رفتن و این امر نشان می دهد که اختلاف فاحشی در این زمینه وجود دارد. همچنین در مورد دهقانان که در مورد بسیاری از کالاها محتاج شهر هستند (نظیر برنج، روغن، سگار، پوشاک و...) نیز وضع به همین ترتیب است. دهقانان ناچارند کالاهای خود را به صورت یک جانبه و سحاری به دولت، کارخانه داران سلف خران و... با قیمت حداقلی که تعیین میشود، بفروش رسانند (و با بیش فروش کنند) و در عرض هر روز کالاها را که توسط همین سرمایه داران تولید می آید و در می شود با بهای گزاف خریداری کنند. اشکرات گرانی بر روی کشاورزی آدامه همان بحران کشاورزی است که هر روز بیشتر تولید کنندگان خرده دهقانانی را به ورطه سنگینی کشانده و سیر تجزیه طبقاتی آنان را فزون تر میسازد. فربه خوردن تولید خرده دهقانانی و

جمع آوری بساط دستفروشان در ایران شهر

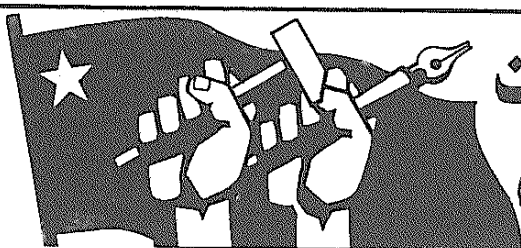
بندبنا ل جمع آوری بساط دستفروشان ایران شهر که توسط ما موران شهرداری انجام گرفت، زحمتکشان دستفروش بمنوان اعتراض با این عمل ضد انسانی شهرداری در تاریخ ۵۹/۴/۳ در محل فرمانداری گرد آمده و متهمین میشوند.

دستفروشان که با جمع آوری بساط دستفروشی - شان تنها وسیله امرار معاش خود خوانده ها بشان را از دست داده اند از فرمانداری می خواهند با محصلی برای گذاشتن بساط دستفروشی شان تعیین بکنند و با کاری به آنها بدهند تا از طریق شکم زن وجه شان را سیر نما یند. فرماندار ایران شهر در مقابل این خواست بحق زحمتکشان ایران شهر با کمک کارمندان فرمانداری



نما بند دستفروشان را از اتاقش بیرون انداخته و با استمداد تلفن از شهرتانی که "بیا شید این اخلال - کران! را از فرمانداری بیرون کنید"، تهدید زحمتکشان دستفروش را بهم میزند. و با این ترتیب فرماندار ما هیت ضد انسانی و ضد مردمی خود را به وضوح به زحمتکشان نشان میدهد.

پیکار



هنر مقاومت
هنر پرولتری

چهره عریان روی نونیسیم در هنر (۳)

هنر روی نونیسیتی مبلغ آشتی طبقات

هنر روی نونیسیتی، امروز همچون گذشته، آشتی به روحیات تسلیم و سازش طبقاتی است، اما آنجا که ما با این نوع آثار برخورد می‌کنیم، آنجا آری که در زادخانه سوزان المیرا کلمه درونی نهفته و حوسه آتاری که در دیگر کشورها "تراژدی" مثل محارسان، آلمان نرئی، وغیره، ما چیده است سرس سروری خود را در راه بر آنگدن رسوم ایده‌های فراطبقاتی و آشتی طبقاتی نگار می‌گردید. حیرت‌ناک بوده هم به سبب آزار بیایان خود در این راه می‌گردد.

در شماره ۸۳ روزنامه مردم ۱۳۰۰ آن سفری تمام آشتی به جای برسد است:

آتش را خاموش کنم/ نمکها را گناز کنم/ دارم /
خانه را از گنده و دشمنی سوختم/ ... آواز گمراهان /
می افتد / اسبا و آنجا / سراسر آریا / دارم / سوخته /
پیر من / ما در آرزو مندیم / خواه مرد میخ / ما سراسر دران
یا لیده اند / آشتی را همه ما جان / و ما همه ما شمس /
جسورانه و جواب / اعلام کنم / اعمال کنم /

بدینگونه شعر روی نونیسیتی، با کلمات بی روح و درازگویی های زوروازه، با اسطعادهای مرکبها، رسرای طنز عواطف نیست سازش و احساسات جاگرا نه می‌شود. و با وسوسه بی رمق، می‌خواهد با "جریب" آتشی را اعلام و اعمال کند! آشتی بین آریا و سبها /
با پیشمرگان خلق، این خطبه مقاومت و سرود آشتی -
نا بدین جهت است. البته حزب زبده فریبکاران به فرود
بمیر می‌آورد؛ آه ای ما جنگ افروزید، و مگر به آنکه هر
کس که از دوطرف گشته می‌خورد / ز فرزند آن مردمان است!
طبیعی است که کمونیستها یعنی از هر کس از رقت تمام
دیوانه سراسر زده شده است / تا حاکم مبرج رسد.
لیکن آنان هیچگاه هیچگاه حقا به حق باقی را و زگوید
نشان نمی‌دهند. آنان می‌دانند که سیردنا کز خلق
و ضد خلق / بسته به نمایان آنان می‌بایند نمی‌گذرد و
برای پیا پیا دادن به جنگ با غا دلان را می‌خواستند /
انقلابی و غا دلان در بین رونیت. و ای سراسر کوسوب
رژیم نه با توجه به یک تک افراد آن بلکه با رونیس
نمودن ما همه ضد خلقی و سرگونیگران آن قابل درک
است. همچنین کمونیستها خواهان جنگ داخلی نیستند
این ضد خلق است که برای به سیرا هه گنا شدن مبارزه
طبقاتی، به این شیوه کثیف منویل می‌شود. اما در
عین حال توده‌های آگما به ما وقت درسرا برهسات
حاکمه و افعای حقایق خواهد توانست آزدل جنگ داخلی
پرچم جنگ طبقاتی را برافرازند.

سواش کسرائی، این تکخال حزب توده که همه
نیروی را در خدمت تبلیغ افکار و احساسات
رویزونیستی بنیاد است و به همان اندازه که در پیبه

ست گدا و بی سندا می‌شود که در واقع آرتوری
ملح طلایی و سارن طلفای او جا مدخل سوسیده .
تخریم صلح سدا ترا سدا سدا و سدا ها با برجم
برج سدا طلفای درسور سدا سی تا سدا سدا .
سدا طفری طفر عم گدا هراس بر سدا سدا سدا سدا /
های بی ایمان کارگران و دهقانان و خلقها را می-
شود به سبت با هنر روی نونیسیتی آن راد سدا
سدا سدا می‌گند و خلق را را زگویی می‌سند .

علیه انقلاب در هنر

ما بیسرکسیم که هنر را رگسسی، با سگر و حیات
انقلابی بوده است که هنر مدیا عطف ساری مارکسیم
- لیسنم و درک ساری سنا سنا ما رگسستی، آن را
جهت می‌دهد. هنر روی نونیسیتی به سبتا سبتا ذات
سوزواری خود علیه این هنرمند / سبز و روحیات تسلیم
وروسی را تبلیغ می‌کند و سزا زگویی سبتا سبتا /
جراههها وانکا رگسستی می‌شود بلکه عمیقاً با آسبا سبتا
ساحت سوزواری، علیه انقلاب موضع می‌گردید / سبت
رویزونیستی نه سبتا با هنر سبتا سبتا سبتا سبتا /
در شهر درمی آید بلکه عموماتاً سطح نازل ترین آثار
سوزواری که با هرگونه تغییر و تحول مخالفت می‌ورزند

آرتور یک سرگدا نو، سوا سوا است / امروز سوا
می‌دهد که در سبتن یک صلح / روی نونیسیم کار آرموده
است. در سبتن یک سبتن در ۱۶ آدر ما شماره ۱۰۴
"بدم" آتشی آری سبت سبتن روحیات سازش را به
سبتا می‌کند: /
/ کسم که / دوسی / کسم که / صلح / عمق / سلا سبت /
سراسری / کسم که / برس همه ما همه آستی / سدا سدا
گرد سبت سبتا وری ...

هنر مارکسیتی، بیانگر روحیات انقلابی توده است که هنرمند با نطف نمای مارکسیم لیسنم و درک
زیبائی سنا سنا مارکسیتی، آن را جهت میدهد. هنر روی نونیسیتی نه تنها بنا به ذات سوزواری
خود، علیه این هنرمند / سبز و روحیات تسلیم و زبونی را تبلیغ میکند. و سزا گو کند به خرافهها و افکار رگسسته
می‌شود، بلکه عمیقاً با آسبا سبتا سبتا سبتا / علیه انقلاب موضع می‌گیرد.

و سنا سرتاریط خا سرو مدافع موجودند سقوط می‌کند
و این سرتاریط را رتا لیسا سعادی سوزواری .
سعتی آن رتا لیسی که در آن رهبرمدانی که ران به
انستاد سرتاریطها به رتظم موجود می‌گنا سبتا سبتا و
سرتاریطها و سبتا سبتا سبتا سبتا سبتا /
سوزواری را به سبتا سبتا سبتا می‌گیرد سبتا سبتا /
مارکسیتی از جا سبتا سبتا سبتا سبتا سبتا /
در سبتا سبتا سبتا سبتا سبتا سبتا سبتا /
رتظم سوزواری است سرتا "توده" ای برای حفاظت
رتظم موجود سبتا سبتا سبتا /

این روح و رگسستی روی نونیسیم است که در تالیس
رمانسیمی محترمی گنده سبتا سبتا سبتا سبتا /
سبتا سرتا / حکومه در جا سبتا سبتا سبتا سبتا /
سرتا سبتا سبتا سبتا سبتا سبتا سبتا /
سرود:

/ کسم که / برس همه ما همه آستی /
این کدام خرد است که سبتا سبتا وری سبتا سبتا /
خرد سوزواری سرتا سرتا سبتا سبتا /
ادامه می‌یابد / سبتا سبتا سبتا سبتا سبتا /
آستی / سرتا سبتا سبتا و رتزی /
سبتا / سرتا سبتا سرتا / سبتا سبتا /

سرتا سرتا "را حسان طبری که در شمار ۱۱
اردیسبت ۵۸ سبتا سبتا سبتا / سبتا سبتا /
سبتا رگسستی و سبتا سبتا سبتا سبتا /
سبتا سبتا سبتا سبتا سبتا سبتا سبتا /
سبتا سبتا سبتا سبتا سبتا سبتا سبتا /
سبتا سبتا سبتا سبتا سبتا سبتا سبتا /
سبتا سبتا سبتا سبتا سبتا سبتا سبتا /

سبتا سبتا سبتا سبتا سبتا سبتا /
خطر! / مردم ۵۸ - سبتا سبتا سبتا سبتا /
خطر گرد سبتا سبتا سبتا سبتا سبتا /
است نه خطر طبقات حاکم. ما سبتا سبتا سبتا /
آنان مدیحه گوی طبقات حاکم اندو سرتاریط حاضر را
"سبتا سبتا" و "سبتا سبتا" سبتا سبتا سبتا /
توصیف می‌کنند و توده‌های انقلابی، سبتا سبتا /
می‌یابد، سبتا سبتا سبتا سبتا سبتا /
مردم را همچون سبتا سبتا سبتا سبتا /
- ما، در هنر به علیه انقلاب سرتا سبتا /
که سبتا سبتا سبتا سبتا سبتا سبتا /
رتظم سرتا سبتا سبتا سبتا سبتا /
"سبتا سبتا سبتا سبتا سبتا سبتا /
ارتن سبتا سبتا سبتا سبتا سبتا /
انقلابی سبتا می‌شوند سبتا سبتا /

توسعه روحیه مذهبی و رواج ایده‌الیزم در هنر روی نونیسیتی

لنین به هنرمندان مارکسیم می‌آموزد که
سبتا سبتا سبتا سبتا سبتا سبتا /

سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا /
سبتا سبتا سبتا سبتا سبتا /

ادبیات رنالیسم سوسیالیستی، بر اساس آگاهیه‌های سوسیالیستی خلق می‌شود، آموزش ما رکیسم در خصوص ایده آلیسم و مذهب بخشی از این آگاهیه‌هاست.

لنین در مقاله "روش حزب کارگران نیست مذهب" آموزش می‌دهد:

"مذهب یک امر خصوصی است" این نکته معروف در برنامۀ رفورم (۱۸۹۱) این تاکتیکهای سیاسی سوسیال دموکراسی را نشان می‌دهد. لیکن این تاکتیکها امروزه بصورت عادی درآمده اند و این باعث پیدایش یک تحریف نوین در مارکسیسم، تحریفی در مسیر مخالف جهت اپورتونیسم شده است. این نکته برنامۀ رفورم بدین معنی تلقی گردیده است که ما سوسیال دموکراتها، بی‌منا به یک حزب، مذهب را برای خودمان امر خصوصی می‌شناسیم بدون درگیری در یک پلیتیک مستقیم علیه این نظریه اپورتونیستی، انگلس در سال ۱۸۹۰ لازم داشت تا این که بصورت پلیتیک بلکه به طریق دیگری مثبت و قاطعانه مقابله نماید. به عبارتی دیگر انقلاب بیانیۀ ما در نمود که در آن وی صراحتاً تا کید نمود که سوسیال دموکراتها مذهب را در ارتباط با دولت بی‌منا به یک امر خصوصی می‌نگرند لیکن نه به هیچ وجه در ارتباط با خود، یعنی ما رکیسم یا حزب کارگران نیست، ما رکیسم است! "اعلان جنگ علیه مذهب به مناسبت یک هدف سیاسی حزب کارگران را صرفاً یک ژست انارشیستی... و تکرار حرام است مبارزه بی‌سما رکیستی علیه روحانیت" (همانجا) می‌داند ما در عین حال "تا آنجا که حزب سوسیالیستی بیرون دنیا را مربوط است مذهب یک امر خصوصی نیست، حزب، اجتماع مبارزین پیشرو را آگاهیه‌ها طبقه‌ای برای رها شدن طبقه کارگران است. چنین اجتماع نمی‌تواند نه به بدست بی‌فقدان آگاهیه طبقه‌ای و یا شریعت مخالف نگاه مل بشود شکل اعتقادات مذهبی بی اعتبار باشد" (مقاله سوسیالیسم و مذهب - لنین) کمونیستها خواستار آنند که "با غیر مذهبی بسا اسلحه خالص ایدئولوژیک فقط ایدئولوژیک از طریق مطبوعاتی و بیوسپله سخنان مبارزه کنیم" و معتقدند "مبارزه ایدئولوژیک یک امر خصوصی نیست بلکه امر تمام حزب پرولتاریا است" (همانجا)

اما حزب توده در کنایه رکوشتهای سالوسنه اش که صرف آنتی داند اسلام و مارکسیسم می‌کند! در هنر رویزیونیستی خود می‌گوید روحیه مذهبی را در توده‌ها توسعه دهد تا عیان حزب توده یکی از راههای رسیدن به اهداف ارتجاعی خود را در شرایط کنونی، نظیر شدن با نقاب و مقنعه یک مذهبی دوا تشه یافته اند:

در شماره ۴۷ روزنامه مردم شعری است بنام "بیاس شهیدان":

ظلمت ظلم پیشه جوخاش / ظلمت پرست بود سیه بود / ره سوی نور بست، ندانست / کاینجا خدا نشانه ره بود.

و در این راه طبری نقش علمداری خود را حفظ می‌کند:

رهروئی با زگشته زدلان بیچایج زمان / ... / و در میان همه کوره‌ها که به دوزخی پیوند زهی / آن تیرا زهتا بنا که که به مینوی خدا وندی، انجا مد / شماره ۲۲ - ۱۲۲ - ۱۳۵۸ - مردم .

آری تخیل رویزیونیستی، در خدمت تیره کردن آگاهی ما بر بالاسنی طبقه کارگر و روح ایده آلیسم مذهبی است، و این فعالیت با اهداف جا کرانه و بالوس کاری نفرت انگیزان کره خورده است.

دیدگاه زیبایی شناسانه بورژوازی در آثار رویزیونیستها

در باره جنبه‌های گوناگون خدا انقلابی هری که رویزیونیستها حزب توده مبلغ آسد، بسیار می‌توان گفت تا باید لازم بود که برای رفع خستگی لااقل به بارهای "زجیات مضحک آثارشان اشاره می‌شد. "حرب سانی" های شان عیان "نوده" ای که حقیقتاً سنایش جز نومه خیانست و سنگ است البته ما به مضحکه است. همچنین بهتر بود آثارهای هم به لایبی خوانی‌های شان عیان رویزیونیست در گوش آن "جریکهای فداشی" می‌کردیم که با گرایبات رویزیونیستی شان آنچنان به وقت آنان دامن زده اند که می‌سراید:

راه چریک و راه فدایی / گرجرسوی نوده‌ی مردم / راه هبوط و چاه سقوط است / گشتن بگرد خویش و شدن کم / ... و در آخر هم / با سده با درج توده ایران !!

شماره ۱۰۷ - ۱۲ - آذر ۱۳۵۸
اما بیس از این فرصت پیدا کن به با صلاح شعار رویزیونیستها نیست و تنها اشاراتی به کیفیت زیبایی شناسانه این آثار رویزیونیستی می‌کنیم:

زیبائی شناسی مارکسیستی به ما می‌آموزد که زیبایی آثار انقلابی را بطنای سگانگ با امر بیوسمعی - شان یا زندگی نوده‌ها دارد. هنر ما رکیستی که بیانگر روحیات انقلابی طبقه محروم، بیانگر حالات و روحیات و احساسات پر شور پرولتاریا و توده‌هاست. همواره از سرچشمه جوانان زندگی بهره می‌گیرند و به عشق آفرینش و خلایق هنرمند باسخ می‌گویند. آنان فن و مهارت آفرینش هری را که حاصل این است تجارب هری در دوران معاصر و تاریخ هراسناک بارسانی‌های بابان نابذیری که در زندگی مبارزه بوده‌ها کنت می‌کنند در هم می‌آمیزد و سناوردهای نوین شان را در خدمت انقلاب قرار می‌دهد. این هنرمندان در رابطه با جدای کار در کارخانه، در رابطه با تازویر زندگی در کشتزارها، در رابطه با نیلی که منشاء آن زندگی است، زیبایی شناسی سوبن رایی می‌ریزد. کلمات شعرا بنام عریان، آهنگ موسیقی و تما بر پرده‌های نقاشی این نقاشان، همه و همه مشحون از اشکالی هنری است که

بدینگونه با واقعیت تما می‌دارد. هنر رویزیونیستی اما ما توان از آفرینش هنری با روحیه‌ای انقلابی، که زیبایی‌های نهان در زندگی نوده‌ها را کشف کند و خلافاً به زیبا فریبندیک در کسب بورژوازی و حتی تجارتنی زیبایی شنا سانه دارد. هنرنجارتنی می‌کوشد برای آنکه ایده‌های منحط خود را در ذهن انبیه‌ها شاگران نا آگاه فرو کند، برابسر تما بیلات کورشان بر سبب ایدوازا شکل هنری با نازل - ترین کیفیات سودجوید. شان عریان حزب توده‌ای هم - چنین در هنر خود از تخیل و تما ویردهنی، کلمات و نظم که "مشرقی" را در برای انقاء مضامین رویزیونیستی سود می‌جوید. بگذریم که بسیاری از این لاپلا ثلاث مزه، سرمقالات و چیزهای بیروت و حقه با زانه‌ای است که بسا مشرقا قلب می‌شوند.

تخیل شان عریان "نوده" ای امروز، ناگاه از تصاویر اسطوره‌ها، احادیث و روایات مذهبی انباشته شده است. کلمات که عنصراً اساسی شعرند در این اشعار از خور - جن فرهنگ ایده آلیستی بیرون می‌آیند و شعری می‌شود از حیثان، طغوت، جهاد کبر، خدا، الهه کبر، مستکبر، بیعت، اهرمن، اذان، بلخ، ... امروز آنچه که برای شان عریان توده‌ای زیباست، نه نظم بندگی و ظرافت‌ها و یا حتی خشونت‌های زبان توده‌هاست بلکه آنجیزی است که در خدمت مضامین منحط آثارشان می‌تواند درآید:

مثلاً احسان طبری در تصویری، "انسان توده‌ای" را با سگ و وصف می‌کند:

آنانرا از پیش ساخته اند / که خویشن خویش را میبازند / با سگب و کرا ربا جهاد کبر / با سلوک عارمانه.

شان عریان "نوده" ای با سوان از انکسار زیبایی بیفته در زندگی و کار بست زبان توده‌ها و سرودن به ورن و آهنگ بیفته در رنج و مبارزه، جوانان هنرمند - این بورژوازیبایی را در لایبی متون گردوغبار گرفته می‌بیند و تما دفاتری یکی از آن عرایبی است که می‌کوشد بنشین سر کند در همه آنچه زکا تنها، متون عرفانی، مترسج سعیدی و قرآن... آموخته شعرش را رنگ آمیزی نماید:

در پیش ظلمت دا دوخد... مستمندت به کسام / کسرها ت پدرا م / با زگشت سوبیتی به فروغ و فر / با راری ها وسنا های دیگر.

این زبان اصحاب کف و مردگان از کور برخاسته برای "استاد زیباست روحیه ارتجاعی این شان عریان" کاراگاه به مضحکه می‌کشد و تما هره به بکار گرفتن زبان معمولی، نتایج خنده‌آوری بسیار می‌آورد: در شماره ۱۰۷ - روزنامه مردم "شعری" است که با تگونه شروع می‌شود:

مستکبران لندن و آمریکا / طا غوتهای مستمازات / و بعد اینگونه ادا می‌یابد: ای دوستان خلق خدا را / زمین جنگ خانگی بهر اسید / برای جلوگیری از طولانی شدن نقل قول به کلمات و قافیه‌ها بی‌کفا عسر "نوده" ای بکار گرفته است و این چهارپا ره مضحک را "خلق کرده است اشاره می‌کنیم: اجرا را مسارات، خراطین، صهیون و ...

اینست نمونه‌ای از درک زیبایی شناسانه شان عریان توده‌ای که تخیل و زبان و تما ویرشان همچون مضامین هنرشان، ارتجاعی، بی ارزش و و پیکر یا نه است. طبیعی است که جا داشت بیشتر در این زمینه صحبت شود و از جهت گوناگون به ارزش بودن این آثار افشا کرده، لیکن بررسی مفصل تورا به فرمت مناسب شری و امیگذا ریم و در همین جا به این مقاله پایان میدهیم



بقیه از صفحہ اول

چهره عربان ...

میثاق وحدت زمینی افزودن حلقه های جدید بر زنجیر سرکوب و کامل کردن این زنجیر را فراموش کرد. بنی صدر با این حرکت خود را اولین گام در جهت پاره کردن پرده ریا و تزویر دیکرات ساختی از چهره خود برداشت و نشان داد که از دیدگی به سر و راهی چون مجاهدین چه اهداف بلیدی را دنبال میکند. این حرکت در عین حال ضربه ای بود بر پرده توهم دموکراتهای خرده بورژوا. حداقل بوده های آن - که چشم به تافتهای درون هیئت خاکه دوخته و دل بسند دموکرات نمائی های بی مدرسه بودند.

درست اندکی پس از "میثاق وحدت" بود که این تغییر موضع بنی صدر، و دارودسته اش بطور آشکارانه! و تلویحی در مقابل روروا ما انقلاب اسلامی (۴ تیر ماه) انعکاس یافت:

"یک پایه مهم و بنیادین ما به همسری با بهر تکمیل جبهه اسلامی پایه ایدئولوژیک است. اساسی جبهه سوسیالیست ایدئولوژی اسلامی را عنوان پایه مکتبی بنا شده است. ... ما بر این جبهه حتما باید اسلامی باشد."

و سپس در توضیح بیشتر این "پایه مکتبی" اضافه میکند: "آن برداشتهای که اسلام را با غیر اسلام متلا مارکسیسم می آمیزد و با بیش و روش مارکسیسمی و مادی به اسلامی نگردد (روش است که منظور کسی جز سازمان مجاهدین خلق نیست) نشانی نمی توانست در این جبهه قرار بگیرد" (سر مقاله روروا ما انقلاب اسلامی - ۴ تیر ماه)

در واقع خط مشی ترسیم شده توسط "آیت" در نوارها و بیانات دیگر خط مشی حزب جمهوری اسلامی در مورد برخورد به مجاهدین - این بار با توافقی بنی صدر - در پیش گرفته میشود و بر هیئت خاکه مسلط می گردد.

اما هنوز این اولین جلی حرکت جدید است. و حرکات بعدی و جنبلیات اصلی آن هنوز در پیش است. رژیم خود را برای یک تهاجم جدید به آخرین بقایای دموکراسی موجود در جبهه آماده میکند. ترس و وحشت رژیم زبرجای ماندن این بقایا و خطرات ناشی از آن که همانا رشد و گسترش روز افزون نیروهای دموکرات است نمی توانند او را به چنین هجوم و حمله جدیدی وادارند. قضا یا ادامه می یابد. ... اندکی بعد رهبران "سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی" - که تبه با زوی نظامی حزب جمهوری اسلامی مشهور است - سه ملاقات آیت الله خمینی میروند. از مضمون این ملاقات در مطبوعات و رسانه ها هیچ خبری درج نمی شود، اما مطابق اخبار غیر رسمی، در این ملاقات رهبران این "سازمان" به آیت الله خمینی نسبت به خط و گسترش یافته توده های سازمان مجاهدین و نیز خطر ممانعت بنی صدر با این سازمان، هشدار می دهند.

اندکی بعد آیت الله خمینی اولین پیام خود را که به مثابه فرمان آغاز حمله جدیدی به انقلاب دستاورد - های آن است و این بار در محور حمله سازمان مجاهدین قرار دارد، صادر میکند. و شدیداً به این سازمان می تازد و با اطلاق "مناقض"، "انتقادی"، "ضد انقلابی" و "همدست دربار شاه"، مخالف انقلاب را

اسلام و وابسته آمریکا، تکلیف آنها را از نظر خود و رژیم روشن می سازد. در همین رابطه بطور تلویحی نیز به سوی صدور اردوستان دربار ممانعت با اس "مناقض" و "دشمن انقلاب اسلامی" هشدار میدهد و به آنها اخطار می کند.

"پیام" آیت الله خمینی، سد و حجت هشتاد که به از رندا انقلاب و آغاز کارهای سرکوبی در جهت حین خلق و نیز هوای ایجابی است. سد و حجتی روروا مزون مفید انقلاب در "آلا" و روس سرگرد

مقابله با اوائل انقلاب بطور قابل ملاحظه ای کم رسیده است که اس میسر می شود در بنیاد به ایروای انقلاب (بخوان خدا انقلاب!) سخن گوید. در پی این پیام، پیام دوم بر اساس راحت عنوان "انقلاب اداری" از سوی آیت الله خمینی داده میشود که در واقع مضمون آن چیزی جز همان بر نامه گذاری "نعمه" آیت الله رسیده است: "با کار ری" عنا صرا رورومتری در پیوسته با کار ری عنا سرورژوا وابسته رژیم سفور نس، که همین حالت در تمدن کنونی پس از

بنی صدر ربا زبرکی یک بورژوا فرمیست در و راندیش، در پی آن بود تا با تکیه بر گرایشات لیبرالی و سیاست های متزلزل و تا پایدار عمده ترین نیروی دموکرات جامعه یعنی سازمان مجاهدین خلق، آنان را از متحد پسین کمونیست خود جدا کرده و به سمت خویش بکشاند.

نام، کماکان در دستک اداری رژیم، بطور گسترده لایحه کرده است. اس پیام، فرمان "با کار ری" عنا صرا وابسته سری و غرب را بنا در می کند و همه بنیاد نسیم که منظور رژیم، عنا مزوا بسته سری "چه کما سی هستند! رسنه هوم با ره در حلقه های جدیداً آغاز می گردد. از این پس حمله سلسله ای، سیاسی، عقلی گسترده ای در حلقه - های فنی، مخصوص بر علیه سازمان مجاهدین که تا کنون از گردنهای حمله حادی آنها برکنار بوده آغاز می گردد. روروا مدهای ارتجاعی وابسته به جناح حزب جمهوری (از قبیل روزنامه های جمهوری اسلامی و آزادگان و ... از جمله که ماری لحام گسخته تبلیغاتی و سیاسی خود را بر علیه مجاهدین پیش از گذشته آغاز می کند و کینه دیرینه خود را نسبت به انقلاب و نیروهای

بسیار مرها و آراس سروهای انقلاب و صدا انقلاب است و با لایحه سد و حجت بنی صدر عینی سازمان نوحه های است که دموکراتهای خرده بورژوا و بخصوص رهبران سازمان ربا زبرکی را با این راه اندیده کردن این امرها، جدا کردن آیت الله خمینی از کل هشتاد که به و با آن جناحی که آنها را ارتجاع میخواند و نظیر عمل کردها و اعمال "رهبران انقلاب" و می دانست.

جرا می گوئیم "پیام"، اس کما سی و حجت رژیم از رندا انقلاب و نیروهای انقلابی است لازم نیست های دوری سرور، منا حجت آیت الله بطوری با رادبو دربار "مجا هدی" در پی پیام آیت الله خمینی، بخوبی و بطور ساده و لوحه های از این وحشت و هراس برده بر می دارد و آن را عیان می سازد:

"... ما در این مدت یکسال جدا رورومری با این گروهها رفتار می کردیم ... با اینکه کم کم به هم خیلی دارند اوج میگردند، و بیشتر من دلم برای جوانان مسلمان و مسدین و علاقمند میسوخت که گول این گروهها را نخوردند و عده ربا ی از آنها را میبنا ختم، که از روی علاقه به اسلام و مبارزه رفسد و در دامن آنها افتادند، (منا حجت منتظری با مدهای جمهوری اسلامی روزنامه انقلاب اسلامی ۱۰ تیر ماه)

سر مقاله روزنامه اطلاعات روز سه شنبه دهم تیر ماه نیز همین انگیزه و علت را بشکل دیگری بیان میکند و پس از جمله به "مجا هدی" و بد رستی! نشان میدهد که رژیم با مجاهدین از لحاظ ماهوی تفاوتی ناپذیر دارد (اگر مجاهدین خود این را درک نمایند، که تا کنون نکرده اند) و نیز بخوبی نشان میدهد که علت این هجوم چیست و ترس و وحشت رژیم از کجاست. او این علت را در عمل کردهای مجاهدین میدانند و تحت بندهای ۲۰ گانه ای این عمل کردها را ردیف می کنند و در یکی از آنها، که بخوبی پایه آن ترس و وحشت را نشان میدهد میگوید:

"بدبین کردن مردم به انقلاب (بخوان خدا انقلاب!) از طریق بزرگ جلوه دادن اشکالات و نقضهای حکومت و انتخا بت که منجر به خراج "تدن" بسته دسته مردم از حمله انقلاب میشود (ا)، بطوری که تعداد بیشتر کنندگان در انتخا بتات اخیر، در

نام، کماکان در دستک اداری رژیم، بطور گسترده لایحه کرده است. اس پیام، فرمان "با کار ری" عنا صرا وابسته سری و غرب را بنا در می کند و همه بنیاد نسیم که منظور رژیم، عنا مزوا بسته سری "چه کما سی هستند! رسنه هوم با ره در حلقه های جدیداً آغاز می گردد. از این پس حمله سلسله ای، سیاسی، عقلی گسترده ای در حلقه - های فنی، مخصوص بر علیه سازمان مجاهدین که تا کنون از گردنهای حمله حادی آنها برکنار بوده آغاز می گردد. روروا مدهای ارتجاعی وابسته به جناح حزب جمهوری (از قبیل روزنامه های جمهوری اسلامی و آزادگان و ... از جمله که ماری لحام گسخته تبلیغاتی و سیاسی خود را بر علیه مجاهدین پیش از گذشته آغاز می کند و کینه دیرینه خود را نسبت به انقلاب و نیروهای مترقی به عا سترس نکلی منطقی می سازد. همه چیز حکایت از یک نوظهور جدید بر علیه نیروهای انقلابی و آجربن سازماندهای دست وردهای پیام بهمن ماه دارد. همه چیز حکایت از پیشرفت خط مشی فدا انقلابی "دکتر آیت" و در واقع "حزب جمهوری اسلامی" دارد. خط مشی که اکنون دیگر بنی صدر را هم درکنار خود قرار داده و تحت پرچم خود در آورده است. حزب جمهوری اسلامی ز سید بگانه زاری بیشتری را در قدرت و در مقابل به با جناح بنی صدر دست میاورد، و در سودای آن است که تا شکست و ضربه ناشی از افتخاج نوار آیت را جبران نماید. والحق که موفق است حرکت جدید آیت الله خمینی، در واقع سدر رسمی تقویت موضعی جناح حزب جمهوری در مجموعه هیئت خاکه و پیروزی منطقی خط مشی سیاسی آن نیز هست.

حلقه های جدید به زنجیر سرکوب رژیم افزوده میگردد: سرکوب سیاسی نظامی - جنبش خلق کرد و بطور کلی خلقها، سرکوب نهادهای مترقی کارگران از قبیل شوراهای سندیکا های کارگری (همان نهادهای که فدائیان خلق از آنها تقاضا کرده اند که به منظور پیشبرد "مبارزه فدا مبریا لیستی" تولید در آن واحد ها افزایش دهند!)، تقیه، اخراج، دستگیری ... کارگران مبارز از کارخانجات، دستگیری و هجوم و سرکوب شدید انقلابیون کمونیست در تمام عرصه های مبارزاتی

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست

وصول کند که شما همسری من بودم برای من
ما هست و انبی این جناح (بسی صدر) و عملکردهای آن
درمان بوده ها را کند. قبول کند، ما حاکم در
دهن بوده ها است نه آن الله خمینی، اس - صدر
برگوبای " که اکنون اسحق آن کاراگنه سوراسته
سما سمارد، سوهم خا دکرددا سما اورا " رهرا انقلاب
خدا میرا نسبی " خلق سوپر کرده و در هر کرداری .
برای " مشکل کما شئ " و اسوئل مندد، اورا ما سو

سخنی چند با سازمان مجاهدین خلق:
سرا بما مدیدیم که ما سز غلبرغما میلانی ما
ارد مسع هاب حا که در مان سما بدونی الواج
نعموا سسدهم که در مان سما سد، سها حمدد، ار
دیگا ه و ما ودر چهار حوت تفکر، سینی و آرایی ما
کدارا و ما ع، جبر حدان بعدو عرینی سوو، سلطسه
رحر حوادد کدند و محمونه حرکات و ساسیهای رژیم
در طول دوره ما مدارسی، بطور ا حساب سازیر، حمان

آبان را اعدام بخلسون کمونسیت حددر کردسان وج
در سا بر سهره ا (ارخسل ا هو ا ر) ، ... اکون با حله و
های حددیری ا رهوم رژیم کمیل مگردد، تا گاری
بنا ریس کمونسیت و مذهبی ارکا و احاطه " ساگ
ساری " آنها آزاد احاط و سدکا دا داری رژیم کسرس
می ناند (و آنچه در سکا را به در کتا را کمازی نما صر
وای سده رژیم کدند، او حله و سرکوب ا بخلسون کمو-
نسیت با حله و سرکوب آکا رید بر وهای دیکر اب وند
و سها زمان معا هدنی کا نظیر سوو، و اس سرکوب
چه صورت سلطانی، سیاسی، مذهبی صورت نظامی
ادا مه کسرسین مسا بد. در این مورد احرا هیود نس
که چگونه بلانای مله حدار حله آیت الله خمینی کسه
سازمان معا هدنی در سام اولی ا روی دشحات سد
انقلابی سانسدها وای سده رژیم، سها کرکفالست
معا هدنی بطور مسلحا حله سد !

**"پیام" آیت الله خمینی، سند و حقیقت هئیت حاکمه از رشد انقلاب و آغاز
گامهای بزرگتری در جهت سرکوب جنبش خلق و نیروهای انقلابی است
سند فشرده‌گی روزافزون صفوف ضد انقلاب در "بالا" و روشن تر شدن
مرزها و آرایش نیروهای انقلاب و ضد انقلاب است .**

طناب و هفت حاکمه را دادند، ارامنای ما هس
اعمال و کردار و روابط واقعی ما را اوکل هئیت
حاکمه اسکاگ و وزیند و اورا ساسین سماره صد
اسرا نسبی خلق سوپر کردند، در حاکمه و خود نسبی
ار سر کردنی مواج بر سر ا ده سارزه و انعی خلق بود
ما نی سنی سلحاظ و خودنی در کل قدرت سیاسی و
هئت حاکمه، بلکه محسن بدلست مدعظمی کسه در
بر سر نسب سوهم بوده ها ما سویل سد عامل مذهب ایجاد
کرده است ما نسیم خود اس مانع را از سار بدهگان
بوده ها کتا بر ردد و کدا نسند که ما هیت عمران آن سرا
ما ده کسند، و اس دور حورد سما نی سدرو است
اللحخمینی ساند بر کردن احراف سما در طول
تعالف اس دوره اس ما سد، سنی سدرا سکنه بر همین
نوهوم سار سکا ربهای سماره سار معا هدنی، گوش سوو
سآب نظیر سارا عمل و کردار سووزوا شئی خویش سوو
ررد، سکنه بر همین نوهوم سلان سوودا سارما بلگانی
برای قدرت ظلمتیهای خویش در مفا بله ما جناح دیگر
ساردهوما نه اس سیره سرداری سافا نه سن درد ادند
سما ما هس و انعی جناح سنی سدروا به فرا موئی
سیردد و حطت سووزوا بر مینسی و منطبق "جماق و نسا ن
سرسینی" اورا کما سافا نه همین دلیل خلعت فریبکار
- انهای را ما خود حمل مگردا دیده اسکا شئید، شما
انجاد عمل اساسی و ما هوئی مان کل هئت حاکمه
میان جناح سنی سدرا حزب جمهوری اسلامی و خمنینی
را ما دیده مگرد و وحدت اساسی آن را در سار سازی
نظم سراما هداری وای سده و سرکوب ا بقلاب، ما بدسد
انما ص بگر سئید، سما سنی سدرا در سمدادند و از
اویوع دانستید که:

وانع سز راست سنی حلقه های حددی -
سواسر رهحون سار د، حله سد و کوس در جهیس
سمن "کلف" طعی سار حرنی اری سمد عمومی سرکوب
رژیم اس که سارا سفلای سفکی ما ما هس و انعی آن دارد
ما هسی کد سما سا اب لظه وحدت دل در مور و سچیا نی
ار آن (ساح سنی سدرو آت اللدخمینی) ار در ک صح
و در ست آن عا حر ما سددا سار سوویح آن برای بوده -
های حدقل هو ا در حودا سسکاگ و رریده اید .
سما سواسسدند ما دآساکوسنی حودا - حاحه
سحوواسسد - جوهرا انقلابی خود را کما کان حط
سئا شئید - ما رژیم کوسو و سما حاحیهای ریکارک آن
در ک سافا نظیر سارا سز آن سدمنس ساس و خط سنی
و سرامد حرکت خود سسمد، و سمنس دلیل هم سوو
که در اس حله سا حدودی عا بلک سز سید، اس حثای
سافا س کد نسل ار آنکه سما بره ای خود را ساصد
انقلاب و دشما س بوده ها (به آن سووی که سها سار
دشما ن خلق دا رید و آنچه را سها در سراما نسیم
سکل بردن مرزی آن و اساح کد سده حلامه مگسد
بلکه دشما ن حدی خلقی و آنچه نی که دشما ن و انعی
اسرا بلیم هئیت و اکون ساسن بر سمد سدرب
ساسی حدی اس سجدی ا سروه ای سدرا انقلاب را
بو جود آوردد، و با لآخره دشما سنی که سما آنچه را " منی
و دوسان خلق میناسد ا روس کسند، آنچه ساسا نه
مر ربندی برده اسند! نسل ار آنکه سما سافا سنی س-
پذیرد و آساکوسنی خود را سافا سد انقلاب روئی سما شئید
آسها نه وضوح اسن تصاد سنی ساند سارما سسد و
با لآخره قیل ار آنکه سار برده سوهمی را که در طی اسن
۱۵ ما هس اسقیام، سها سها در جلوی دیدگا خود بلکه
مهمنا ر آن در جلوی دیدگا هیل عظمی ا سووده های
هو ا در و غیر هو ا در خود بروکسده اید مدیدید، آنچه خود
این برده را در سدن و ا عمل کردن بر عیان مدا انقلابی و
ریا کارانه خود چنین کردند .

اما حال سارا همه بوسی اس که سنی سدرو ا رو -
دسد اس در ا داده مو سگمری خود سز اسر " سنی ا وحدت"
آغاز کردید، ک نسیم که حرکت حدی اسرحاح، در عن حال
شما س پیروزی خط سنی سراما به حزب جمهوری اسلامی
(که در جریان سوار آیت سراما کردید) سوو و کا سنی
بود در جهت قدرت گیری سرحاح حزب جمهوری در
هئت حاکمه و "حرا ن" "سار اب سنی ا کسک سنی
ما بانی حد رسر کد نسل "دکرات" "قدرت" "بظانن"
با " و ما ع" "سار ربا سد اس (سد نسل اسوار د کسرات)،
سزودی خویش را ساین خط سنی سها هک سوو و هئیت
با کل جناح دیگر در حد سسرکوب و هجوم حدی حزب
جمهوری اسلامی و سها ساری کل رژیم، سرک سسب .
این حرکت حدی سدرو ا ع ا دانه کما مل ساند حرکت
اویس اسر " سنی ا وحدت" سوو، سنی سدرا بلانای سها سز اسر
پیام اول آیت الله خمینی موضع خویش را سسب سنی
سازمان معا هدنی چنی اعلام کرد:

"تامله های نظری را که ما کتون سن خود و فقط
را سستان داده ساطعا نه در عمل سسز سامله ما"
کامل سمنهای امیرا نسبی سسز سوو و اشحات
رما سد، "و سها عه در دام اسرحاح و لسرالیم
سفسد، والا اسان قدرت و بیا به حکومت خود را سسز
منزلزل خوا هئید سوو، " (معا هد - شماره ۲۲ - ۱۶
سهم ما)
و این سستان میدا دکما نه جداز در ک ما هس
واقعی این سووزوا بر سسب حله کرا غافل هئید و
نسبت سها ن در نوهوم سسز سوو ما در مفا بل اسن
نوهما ت شما میگفتیم که:

قبول کنید که در طی این مدت نقش بزرگی در
متوهم کردن توده های با وفا کرده اید، خط سنی شما در طی این
مدت یک خط سنی راست روان و لیسرا لی بوده است .
این را در گذشت ما باها گفته ایم اکون سسز سسز
حوادث نخوسی صحت این ادعا ی ما را عیان ساحتسه
است . قبول کنید که شما در طی این مدت بجای اتکیاء
به توده ها، به تفتادهای "بالا" شتم دوخته بودید، وسیاست
و خط سنی خود را بر اسن این تصادها (و نه تصادشما ن
"بالا" و "پا شین") بی ریزی کرده بودید . قبول کنید
که سنگ آسیاب ، فریبکار رها و ریا کار ربهای سنی صدر
و دارو سته اش در پوشتان ندن چهره واقعی خود شده اید .

روزنا مه انقلاب اسلامی از این پس با سنیهای
روزنا مه های "سرا در" (روزنا مه جمهوری اسلامی ...)
روزنا مه های که سار پیروز با دمکرات سافا شئی ههای
کا ذب به رفقای خود می ساخت و از ما هدین بطسور
تلویحی حمایت میکرد، شروع به حمله به ما هدین
میکنند، و در ا کسرت منظم حمله سسز سنی سلطانی
حزب جمهوری اسلامی سها ساین سازمان سسز سها
آیت الله خمینی، فعالانه سسز سنی سها سها سها سها سها
مثال سها سسیدید معاله ای در مورد تعاملت معا هدین در
کردستان، روزنا مه انقلاب اسلامی چها رسئید .

بدین ترتیب جناحی مختلف هئت حاکمه در یک
صف نشرده و یک آوای مشترک بر جم هجوم و سرکوب حدی
را آغاز میکند، هجوم و حمله ای که اگر چه تحول کیفی
نسبت به گذشته در خط سنی سرکوب رژیم سوو سوو نمنیا ورد
اما نقطه عطفی در این حرکت عمومی است . نقطه عطفی
که در آن سرض اسرحاح و ضد انقلاب به پیینه های حدی -
تری کسرتن می ساید و مرزهای میان انقلاب و ضد
انقلاب، با چهره روشنتری عیان میگردد و سرحسته می -
شد . نقطه عطفی که در آن رژیم جمهوری اسلامی و تمام
جناحیهای آن، برده هرگونه دمکرات سافا شئی و آزادیخوا
- ه های انقلابی گری را از چهره و قبح خود بکناری می
- رسد و چهره واقعی و عریان خود را بر ملا میا زند .



ولی آنچه که اساسی است این است که هر دو با صد فوق دارای یک ماهیت طبقاتی بوده و هر دو با صد بر زمین سرمایه داری وابسته عمل کرده و در پی آند تا درآینده نیز عمل نماید بر همه کس روشن است که از قیام به این سو هر دو با صد در چهار چوب هیئت جا که به پیوسته علیه انقلاب شودها و جنبش طبقه کارگر حرکت نموده اند، بر خلاف نظرا نحرافی رهبری سازمان مجاهدین "فامله های نظری بنی صدر و دیگران نه فاصله بین ترقیخواهی و فدا انقلاب است، بلکه متفاوت در چگونگی سرکوب جنبش خلق و چگونگی اداره نظام سرمایه داری وابسته به امپریالیسم است و از آنجا شیکه منی بنی صدر جز یک منی بورژوازی چیز دیگری نیست. مطمئن با شید علیرغم تمام عوام مغربی ها و دغلاکا رها، هرگز و هرگز بنی صد رویا را نش نمیخواهند در عمل تا "قله امحاء" کامل ستمهای امپریالیستی" صود کنند و مبارزه فدا امپریالیستی را در عمل اثبات نماید و نه تنها نمیتوانند این کار را انجام دهند، بلکه مطمئن با شید و جریا تا آتی بطور مشخص تر نشان خواهد داد که راه بنی صدر، راه با زرگان است. راهی که برش از نظام و استگی شمیبا شد. "پیکار شما ره ۴۴ مقابله با زمان مجاهدین در دام توهمات لیبرالی".

آیا تاکنون سیر حوادث صحت گفتا را و عدم صحت گفتا روگردا شما را نشان نداده است؟ آیا حوادث اخیر نشان نمیده که "رزومندی" شما در این مورد که بنی صدر "در دام ارتجاع" (منظور شما از ارتجاع حزب جمهوری اسلامی است) و لیبرالیست میباشند "تا چه حدی یا به، پیچ و توهم آلود بوده است. اکنون بنی صد ریپورتور آشکارا در برابر دیدگاه حیرت زده شما دست در دست ارتجاع (و البته دست او در دستهای لیبرالیسم نیز که تا زگی ندارد و از همان ابتدای قدرت گیری اش چنین دستی را سوی لیبرالها دراز کرد و آنها را در پشت خویش بسیج نمود. چیزی که شما در طول این مدت نخواستید و نتوانستید آن را دریا بهیچ وجه شما میتا زد و با بنیبا مشترکا شما را نیز در کار پیچها انقلاب مورد پیورش قرار میدهد. شما از ما هیئت نزدیکی بنی صد بر خودتان غافل بودید و بجای درک ماهیت واقعی این تاکتیک مزورانه، که در بالا به آن اشاره کردیم، از این تاکتیک استقبال کردید و در دام آن گرفتار آمدید. و به هشدارهای ما نیز که در همین راه و بطنه و بر اساس سادگ ما هیئت بنی صد روگردا را واقعی او میگویند: "حوادث بعدی با وضوح بیشتر نشان خواهد داد که زمانی که بنی صد رویا را نشا استفاده خویش را از شما بنیبا بیند، شما را نیز مورد سرکوب خود قرار خواهد داد. " (هما نجا) آیا "حوادث بعدی" (حوادث اخیر) بخوبی صحت این گفتا را نشان نداده است؟ علاوه، شما تلاش نمودید که بهر طریق ممکن فاصله میان خود و انقلابیون کمونیست را حفظ نما شید و از هرگونه نزدیکی با آنها برای "بها نه" "ندان" به ارتجاع خودداری و زریدیدا شما بجای اینکه دوستان واقعی خود را در میان این نیروها، یعنی انقلابیون کمونیست جستجو کنید، در جستجوی یافتن دوستان کا ذبی در میان هیئتها که و لیبرالها پیدا ختید. شما جا یگا واقعی خود را درجهبه نیروهای انقلابی بدرستی نیافتید و به پیورش کردن این جا یگا و پرداختید. اما سیر حوادث اکنون شما را مجبور میکند که موضع نشستن میان دو راهی را رها کنید، اکنون ارتجاع شما را وادار کرده

است که متحدین واقعی خود را انتخاب کنند و جا یگا هیئتگی خود را روشن نما شید. این جا یگای سافا است که ارتجاع با بد چنین کاری را صورت میداد، قبیل از آن که خود شما آگاهانه و با زدودن برده توهمات و تزلزلات و گرایشات لیبرالی از طرد دیدگان شما به چینیسی انتخاباتی مبارزت مسکزدید ..

بهر صورت سیر حوادث آنچهیزی را که شما همواره از پیش بینی و پذیرفتن نتایج آن هراس داشتید و از

سرنوشت مجاهدین، با سرنوشت توده های آگاه خلق و انقلابیون کمونیست در واقعیت عینی گره خورده است. آنچه که مهم است این است که آنها بتوانند این واقعیت عینی را در ذهنیت خویش و لا حرم در خصلت مشی سیاسی خویش نیز متبلور سازند.

آن طفره میفرستید ما دیت بخشنده است اکنون شما در کنار سایر نیروهای انقلاب و در کنار رکنان رنوده ها، مسورد سرکوب و پیورش ارتجاع واقع شده اید. اکنون سرنوشت شما با سرنوشت کل انقلاب و کلیه نیروهای انقلابی و بخصوص انقلابیون کمونیست گره خورده است شما نمیتوانید از پذیرش نتایج تبعی این سیرا اجتناب تا پذیر حوادث طفره بروید. زمان حاضر زمانی نیست که دیگر بتوان باز هم به نشستن میان دو ضدتلی و لاجرم با زهم کشیدن برده توهم بر چهره خود ادامه داد. دوماه دو به این حیات سینا سینی در مرصه سیاسی ستدا و میخشد. اگر شما با زهم خوا ستار این وضعیت با شید ارتجاع چنین وضعی را تحمل نمیکند و فقط ای اخیر که کما کان ادامه میدارند نشان میدهد که با زهم تحمل نخواهد کرد. او در مددا است که مرزها را روشن کند. و صفوف انقلاب را از فدا انقلاب متمایز سازد. و در این تلاش خود نیز بیگنا است. این شما هستید که اکنون با ید این مرزها را متبا بلا و از جانب خودتان روشن نما شید و سرنوشت نهائی خود را تعیین کنید. راه دیگری وجود ندارد. راه سومی وجود ندارد!

ما آرزو مندیم که حداقل حوادث کنونی به اندازه کافی زمینه عینی جدا ش از آن خط منی میمدت لیبرالی و ما رشکارانه، و با زگشت به یک خط منی انقلابی و پیگیری برای شما فراهم کرده باشد.

ما آرزو مندیم که شما بتوانید از این آزمایش تاریخی که سیر حوادث در برابر شما گذاشته است پیروز - مند خارج شوید. و موضع و موقع واقعی خود را در میان نیروهای انقلابی و در کنار متحدین واقعی خود یعنی انقلابیون کمونیست دریا بیند. در این موضعگیری صراحت و شجاعتی در خور یک نیروی انقلابی را بدست آورید.

ما آرزو مندیم که حوادث اخیر، صحت گفتا رسما و با بر انقلابیون راستین کمونیست دریا با ما هیئت هیئت جا که عمل کرده و گردا را واقعی آنها و نیز مرز میان دوستان و دشمنان انقلاب را برای شما به اثبات رسانند و نشان داده باشد که شما در میان شما و رژیم جمهوری اسلامی اگر بخوا هید که به جوهر انقلابی سازمان مجاهدین خلق ایران و میراث خویش گذشته انقلابی آن وفادار شما نید تضادی است آشتی تا پذیر و آنتا - گونیستی. حرکات اخیر در واقع اولین تجلیات و نمودهای با رز این راه بطنه دیرینه و ما هوی میان شما (درجهبه انقلابی و آنها (درجهبه فدا انقلابی) من با شید و در آینده نیز با شید نمودهای بیشتر و با رز آن و رو برو خوا میم بود.

اکنون ارتجاع حملات ردیبلانه و لجا مگسیخته ای را بر علیه شما آغاز کرده است و برپا یه آن میگوشتا شما را به ما زش و دست کشیدن از مبارزه انقلابی خود برای همیشه و در غلطیدن به آغوش ارتجاع فرا خواند. تمام جناحهای رژیم در سطوح مختلفا زبا ند حزب جمهوری اسلامی، تا با ندیسی صدرو خمینی و... آوازه خوان این ارکستر سرکوب و تنها حم اند.

شما اکنون مورد آن حملات و شجاعت آشکارا و

سرنوشت مجاهدین، با سرنوشت توده های آگاه خلق و انقلابیون کمونیست در واقعیت عینی گره خورده است. آنچه که مهم است این است که آنها بتوانند این واقعیت عینی را در ذهنیت خویش و لا حرم در خصلت مشی سیاسی خویش نیز متبلور سازند.

خشی قرار گرفته اید، که مدت ها است توده های آگاه و انقلابیون کمونیست، در معرض آن قرار گرفته اند. سرنوشت شما با سرنوشت این توده های آگاه خلق و انقلابیون کمونیست در واقعیت عینی گره خورده است آنچه که مهم است این است که شما بتوانید این واقعیت عینی را در ذهنیت خویش و لاجرم در خط منی سیاسی خویش نیز متبلور سازید. آنچه که مهم است این است که، تا زبا نه این حملات لجا مگسیخته را مظلوما نه پذیرا نشوید و در برابر آن تمکین نکنید. چیزی که منتهای آرزوی ارتجاع است - بلکه آن را بیست خود ارتجاع، بظرف خود رژیم برگردانید. در این صورت است که شما از بستارین مبارزه سترگ و از گوره این آزمایش تاریخی سر بلند و پیروز بیرون میا شید. و مفسوف دوستان انقلاب و نیروهای انقلابی را قوت و توانی فزون از گذشته می بخشید.

اکنون موقعیت حماس و ظخیر کنونی و ظا بیف سترگی را از شما طلب میکند. اکنون جنبش انقلابی خلق و شما منبروهای راستین انقلابی بویژه انقلابیون کمونیست، انا ذموضعی را از شما طلب میکند که نشان یک خط منی پیگیری و انقلابی است. این خط مشی پیگیری، که اکنون شما را بخود می طلبد، از شما میس - خوا هد که:

- با تجدید نظر در خط منی راست روانه و لیبرالی گذشته خویش چه در برابر هیئت جا که و چه در برابر جنبش انقلابی خلق و مبارزه طبقاتی جاری،
- با تجدید نظر در ارزیابی های نادرست نسبت به هیئت جا که (که آنها را "ملی" و درجهبه خلق ارزیابی نمیکردید) و وقوف و آگاه می بر ما هیئت ضد انقلابی و ارتجاعی آن در کلیت خویش و کلیه جناحهای رنگارنگ آن،
- با تکیه بر مبارزه انقلابی توده ها در اساس سیاست خود و چشم برگرفتن از تضادهای درونی هیئت جا که و طرد سیاست رفمیستی تکیه بر یک جناح بر علیه جناح دیگر و استفاده از این تضادها در گسترش مبارزه انقلابی خلق بر علیه کل رژیم حاکم و نظام سرمایه داری وابسته،
- با کشیدن مرز دقیق میان جنبه انقلاب و ضد انقلاب و زدودن برده توهم نسبت به نیروهای کسه ریاکارانه خود را درجهبه انقلاب جای میزبند،
- با افشا و طرد و مبارزه با دوستان دروغین و چون بنی صدرو سایر لیبرالها و... که چهره دمکراتیست با خود گرفته اند و با فتن دوستان واقعی خود در میان

کمکهای مالی دریافت شده

الف - ۷۵۰۰۰	د	۱۷۲۰۰	ک	۱۵۰۰۰
" ۳۱۸۰۰	ر	۲۳۰۰	م	۸۴۱۰
" ۲۹۶۷۰	"	۲۳۰۰۰	"	۱۱۱۱۰
" ۱۱۰۰۰	"	۱۰۰۰۰	"	۹۴۰۰
" ۹۵۰۰	ز	۳۱۹۰۰	"	۶۰۰۰
" ۱۶۱۰۰	ح	۲۳۰۰	"	۲۵۰۰
" ۱۶۲۰۰	"	۲۶۸۰۰	"	۱۴۸۰۰
آ - ۲۱۱۰۰	"	۱۰۸۰۰	"	۲۸۸۰۰
ب - ۱۱۰۰۰	"	۱۲۰۰۰	"	۲۱۵۰۰
" ۱۰۹۰۰	ش	۶۸۰۰	"	۲۰۷۰۰
پ - ۶۰۰۰	"	۱۱۲۰۰	"	۷۰۰۰
ت - ۱۱۰۰۰	"	۷۹۲۰	"	۱۰۹۹۰
" ۳۷۰۰	ص	۱۷۲۰	"	۱۸۰۰۰
ج - ۲۲۴۰۰	ض	۱۰۱۰۰	ن	۶۶۰۰
" ۳۰۰۰	ط	۱۳۰۰	"	۳۲۰۰
" ۶۰۰۰	"	۸۳۰۰	"	۱۱۰۰۰
" ۱۰۱۸۰۰	"	۵۸۶۴۰	"	۲۱۶۰۰
ح - ۹۴۰۰	ع	۱۱۰۰۰	"	۱۲۸۰۰
" ۲۱۹۰	"	۶۹۸۰	"	۱۸۴۰۰
" ۲۳۰۰	ف	۱۱۴۰۰	"	۱۹۸۰۰
" ۳۵۰۰	ق	۱۵۹۰۰	ف	۵۰۰۰
" ۱۰۷۰۰	"	۲۱۲۰۰	د	۶۰۰۰
" ۱۲۵۰۰	ک	۱۷۰۰۰	ک	۴۰۴۵۰

- ۱- رفقای (م.ن) و ۲۵۶ هدیه مان رسد. مستکرم.
- ۲- رفیق کارگر - ۳۴ - ۵۰۰۰۰ ریال کمک مالی شما دریافت کرد.
- ۳- رفیق E. M. مبلغ ۵۰۰۰۰ ریال کمک مالی شما دریافت شد.

بقیه از صفحه ۴ پیام . . .

عجبا و ازین معاهده الجزایر و سیروهای ملی و معرفی کرد و او با سینه رزمیست عراق معرفی میکند! در طول ده سال که تسلط خویش بر عراق می کرد چه کسی پیش از خلق کرد و مورد ظلم و ستم و ستمها هم این رژیم حاکم را فرار گرفته است؟ وجه کسبی ستم و سیروهای اصل انقلابی خلق کرد علیه رژیم دیکتاتوریت است مبارزه کرده است؟

آزادخواهان و سیروهای معرفی و مستقل ایران که از این حقانی بخوبی مطلعند، با سینه مبارزه و سعی علیه این تا ستم و سیروهای سیروهای ستم و سیروهای ستم که در خارج رهبران حاکم نیز به چنین سلسله ستم سرسند عملاً در خدمت ستم ستم لجن پرانی و ستم کردن امکا رعومی مردم ایران فرارند.

خلق کرد بخاطر او! انقلاب نام تمام ایران و کتب آزادی مبارزه میکند. و ستم و سیروهای ستمی کسب کرده و ستمها همه انقلابی و آزادخواهان ایران است.

دفتر سرد عزالدین حسینی
۵۹/۳/۲۲

جنبش دهقانی ...

کنند و از طریق اعمال قدرت کارگران کفای و رزی هر چه بیشتر آنها دینه ها و شوراها را را دیکتاتوریت بنا بند:

آنچه که در این مقاله مورد بحث قرار دادیم، اصول کلی درباره موقعیت افشاردهقانی و وظایف نیروهای م.ل. بود. ما برآینه سستی خواهم کرد تا تجارب مشخص جنبش دهقانی در کشورمان را مورد بررسی قرار دهیم.

(۱) - تجربه ای از این جریان را ما نوشته دو در - با ره انقلاب چین چنین توضیح می دهد:

"دهقانان در ابتدا نسبت به اتحادیه ها بی - تفاوت بودند و حتی مسخره میکردند، ولی هنگامی که ولین پیروزی ها بدست آمد و جنبش روستا پیروزی بود آنها کم کم وارد اتحادیه ها می شدند و حتی پس از آن نیز شور و شوق فراوان نشان نمی دادند. . . در سردهختی که در روستا دنبال می شود دهقانان فقیر همواره نیروی عمده بوده اند، آنها چه در دوره دیکتاتوریت محلی و چه در دوره فعالیت ملی همواره بطور فعال مبارزه می کنند، درست همین دهقانان فقیر هستند که پیش از هر کس دیگر رهبری حزب کم - ستم را می بپذیرد. آنها دشمنان سگند خورده مستبدین محلی و ممنتقدین شیرا بدویدون ایگه کوچکترین سدی بخود راه دهد، به دژهای آنها حمله می کنند. . . این سدی عظیم دهقانان فقیر که آنها در مدسگه روستا را تشکیل میدهد سون فقرات آنها دینه های دهقانی، بیضا همگ مبارزه در سیرگون کردن نیروهای فئودالی و پیماناران برافشار مرطرا انقلاب است که سالهاست تا نام مانده است. . . از آنجا که دهقانان فقیر انقلابی ترین عناصر هستند، رهبری اتحادیه های دهقانی را در دست گرفته اند. در جریان دوره اول و دوم تقریباً تمام روستا و اعضای بائین برین مدارج کم ستم های اتحادیه های دهقانی، دهقانان فقیر بودند." (میتخباتا را نوشته دو، جلد اول، گیارم دربار بررسی جنبش دهقانی حوان)

واضح است که در روستا های ما انقلابی برین عناصر، برولیا ریای روستا است، مگوروستا ها شیکه برولیا ریای دینه است که در این صورت دهقانان نه بدست بخش برجسته و انقلابی و درجه اول در میان افشار دهقانی روستا دارند.

لین نیز در مورد شورا های دهقانی روسیه چنین میگوید:

"شوراها ابتدا دهقانان را من حیث المجموع متحد می ساختند. بائین بودن سطح شکار و عقب ماندگی و جهل دهقانان نه بدست رهبری را بدست کولاکها و پولداران و سرمایه داران و روستاگران خرده بورژوا میداد. این دوره دوران سلطه خرده بورژوازی یعنی متسوکها و سوسالست رولوسونرها بود." (و. ای. لین، انقلاب رولوسونری و کاشوسکی مردم)

چیزه . . .

توده ها و نیروهای انقلابی دیگر بویزه انقلابی - کمونیست یعنی کسانی که بیگترین نیروی ضد امپریالیست و انقلابی درجا معاندند،

- باز در این ملاحظات غیر انقلابی و دیپلماتیک در توضیح دوستان و دشمنان انقلاب و توضیح رابطه واقعی خودتان با انقلابیون کمونیست،

- و با لاجرم با زکشت به خط مشی مقاومت انقلابی خط مشی شرکت فعال در مبارزه طبقاتی توده ها و مبارزه دیکراتیک - ضد امپریالیستی آنها بر علیه رژیم کمونیستی و حمایت از جناح جلوه ها و جنبه های واقعی این مبارزه در شما می ابعاداً و بویژه در حال حاضر در کورستان،

مقت محکم می بردان ارتجاع و بویزه کسانی که اکنون میگویند تا با روح تا جاب تبلیغاتی و فشار از رهبر سوسر زمانتان، شما را از موضع گیری قاطع و صریح بر علیه آنها و پیوستن به خط مشی انقلابی و بیگیر حذر در اردو مبارزه با ارتجاع بگمانند، فرو گوید.

این مسئله را نیز باید مدنظر سوسیم که برخلاف تصور شما، تصویری که در طی این یکسال و ابندی در آن گرفتار بوده اید، خط مشی باز کارانه و سلطیم طلبانه نه تنها هرگز از موج تنها هر رژیم بر علیه شما نمیگردد، بلکه همچنان و مانا بودی قطعی شما و با ستمی که ستمگان مل شما با رژیم کمونیستی کردن جوهر انقلابی شما، ادا به خوا هدیا فست. ادا به خط مشی باز کارانه و سلطیم طلبانه و انقلابی گذشته توسط شما ستمها رسیده

حمله! ارتجاع را به شما وسیع و گسترده تر خوا هشد. ساخت سیر و فعالیت در طی این مدت محال این ادعا را بخوبی ثابت کرده است. شما در صورتی میتوانست این حمله را خنثی کنید و ارتجاع را از پای و لطفاً و زیادت بیسترتان را بر خود و طبقات کل جنبش انقلابی، جلوگیری بعمل آورید، که به خط مشی مقاومت، به خط مشی بیگیر انقلابی بیسود و بطور قطع از هیات حاکمه چشم برسانید. "شوری احراقی"

عدم نتایج شاکه آنتان بران بیای می ننورید، اکنون و با توجه به حوادث اخیر، بیش از هر زمان عدم صحت و نادرستی خویش را نشان داده است. این حوادث نشان داده این شوری غیر غمخیز نیست - که تا سیری در سیر حوادث نمی توانست دانسته اند - چگونه به ضد خودش بدل کند و ارتجاع را در "شبح" تقریبی، به معنوی که شما درک می کردید، حری شراحت، چرا که این شوری بریا بدیک ستم است لیبرالی و باز کارانه مبنی بود و بیعتی مبارزه طبقاتی و انقلابی توده ها بر علیه مظاهر واقعی سیستم سرمایه داری وابسته و رژیم حامی آن، می انجامد. و هر شوری و سیاست ساز کارخانه ای، در نهایت آب به آفات بورژوازی می ریزد و او را سردانی کامیای قاطع برجست سرکوب هر جنبش انقلابی، جری ستمی دارد.

امیدواری ما این است که اکنون بیش از هر زمان دیگر کذب و انحراف این شوری بر شما روشن شده است آیا این امیدواری ما صورت واقعیت بخود خواهد گرفت؟ در این آرزوی خود چشم به آینده دوخته ایم!

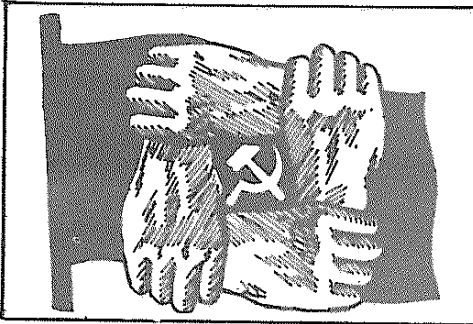
درود بر تمامی شهدای بخون خفته خلق کرد

بقیه از صفحه ۱

اطلاعیه

درپاسخ به اعلامیه ۵۵۵
 نیستی ما با دوبرخورد و برود هستیم:
اول - برخورداردی که درپاسخ به این مسئله میرم به صورت فرمالیستی عمل میکند، برخورداردی که نمیبخواهد عملاً سختی بپذیرد راه وحدت را که از کوره گرم مبارزه ایدئولوژیک میگذرد، تحمل کند، بلکه دل به یک وحدت صوری و تجمع مکانیکی نیروها بسته است. درگذشته قضا رهبرین جریان بود که "کنفرانس وحدت" را بوجود آورد و عملاً جریانهای موسوم به خط سراسر به خرده کاری کشانده و مدتی به خود متشغول داشت. نظراتی که در این کنفرانس ارائه میشدند نظیر "اشتلاف"، "همکاری" - مبارزه ایدئولوژیک و "سازمان واحد" همه وهمه ترفهائی بودند که نظارت برحل روزمره مشکلات داشتند و از این لحاظ نه فقط کمکی به امروحدت نمیکردند بلکه خود آلترنا تینو جان نشین سمگیری اصولی بسوی وحدت جنبش کمونیستی نیز میکردند.

دوم - نیروهای که در مجموع سمت و سوی درستی داشتند:



وحدت از طرف دیگر با اعت گردیده که کم گروهی محفلی و گروهگرائی ندرتون بسیاری از گروهها و نیروهای جنبش کمونیستی با قبلی خود را از دست داده و گروهها در پی وحدت با نیروهای دیگر تریا بند، این امر خودی خود امر مستی است، اما این تمایل و حرکت وحدت طلبانه میتواند متقلاً بلا گرایش و تمایل نسا - صحیحی را بوجود بیاورد که بر اثر آن امروحدت ایدئولوژیک تحت الشعاع وحدت تشکیلاتی قرار گیرد. چنین تمایلی و گرایش که مسلماً اثرات زیانبار دراز مدت

کوشش رفقا رفع و برخی دیگر که ریشه در ضعف جنبش کمونیستی بطور عمده و گروهها ما بطور خاص داشت، همچنان در مقابل گروه باقی ماند.
 اما معاً اعتلای جنبش خلقی ایران و حضور بیش از پیش طبقه کارگر در صف مبارزه و با لطف و وظیفه سنگینی که بردوش کمونیستها قرار میگردد از یکسو و کمبود تجربه و شناسخت گروه ما، نبود یک برنام اصولی، بخصوص رشد لیبرالسم تشکیلاتی، و ناتوانی رهبری از هدایت گروه و... از سوی دیگر موجب شد که گروه بیش از این نتواند به فعالیت مستقل خود ادامه دهد و وحدت ایدئولوژیک که ما من حفظ و گسترش هر تشکیلات انقلابیست بیش از پیش در گروه متزلزل گردد.
 در همین رابطه جلسه فوق العاده مرکزیت تشکیلات گردید و با جمع بندی از مشکلات و بحران تشکیلاتی خاص گروه، اصولاً دوره فعالیت گروهی (محلی گرائی) سرانجام خود را میگذراند و گروهها شی که ما در گذشته خواستار مبارزه هستند میبایست در وحدت با یکی از سازمانهای سراسری که با آن از جهات مختلف نزدیکی دارند تریا بند.

نیروهای که در درون کنفرانس نیز برترهای انحرافی و اکونومیستی پای فشردند، امروز طیفم اختلافات نه چندان کم اهمیت در زمینه سیاسی - ایدئولوژیک دور هم جمع شده و تترهای "اشتلاف" و همگاری مبارزه ایدئولوژیک و... را تحت عنوانین دیگری بحرله اجرا در آورده اند.

روحیه محفلی و گروه گرائی ندرتون بسیاری از گروهها و نیروهای جنبش کمونیستی بار قبلی خود را از دست داده و گروهها در پی وحدت با نیروهای دیگر تریا بند. این امر بخودی خود امر مثبتی است، اما این تمایل و حرکت وحدت طلبانه، میتواند متقلاً بلا گرایش و تمایل ناصحیحی را بوجود بیاورد که بر اثر آن امر وحدت ایدئولوژیک، تحت الشعاع وحدت تشکیلاتی قرار گیرد.

بدنبال این تصمیم اکثریت در این نشست سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر را بعنوان آلترناتیو اصولی که میبایست آنرا تقویت نمود، رزبایی کرده و بعداً از انتشار آخبرین اعلامیه گروه که در رابطه با این انتخابات "مجلس شورای ملی" بود، در ارتباط با این سازمان قرار گرفت و پس از طی یک مبارزه ایدئولوژیک و بدنبال تطبیق مواضع سیاسی - ایدئولوژیک به وحدت با یکدیگر رسیدیم، لازم به یادآوری است که در این پیرویه، فرد مسلط رهبری گروه که دچار لیبرالسم شده بود از مدار مسئولیت تصفیه گردید.
 اگر چه جمع بندی فعالیت گروهی ما نمیتوان یکی از گروههای کمونیستی و بویژه یک نیروی محلی که تا حدودی در ایران شناخته شده است ضروری است، ولی از آنجا که عدم حضور آشکارا گروه ما در چند ماه اخیر، پرشهای بسیاری را برای جریان کمونیستی بوجود آورد، به وفور به شناختن این بنیاد چینه میکشیم، با شناساندن فرصتهای دیگر جمعیتها را لازم و تریا بند این مدت را بطرفی دیگر در اختیار جنبش کمونیستی قرار دهیم.

خواهد داشت در حال حاضر میتواند بصورت جذب نیروها و عنا صرم دل بسمت خود بدون توجه به مصلحتها را ایدئولوژیک - سیاسی تجلی یا بد که با ایدئو آن نیز جدا میبازر نمود، در خاتمه ذکر این نکته را لازم میدانیم که در رزبایی از وحدت های مقطعی گروهها با هم دیگر معیار اصلی قضاوت ما بالاتر مومشی و مواضعی است که وحدت بر اساس آن صورت میگردد و ملاک هرگونه اظهار نظری در باره چنین وحدت های مواضع ایدئولوژیک - سیاسی طرفین وحدت خواهد بود.

با این توضیح ما ضمن اعلام وحدت با گروههای فوق اعلام میکنیم که ضمن ادامه کوشش برای وحدت با گروههای نزدیک بخود خط ایما سیت خود را در گسترش و تعمیق مبارزه ایدئولوژیک حول محوریت ترین مسائل جنبش با هدف تحقق امروحدت کل جنبش کمونیستی و تشکیل حزب طبقه کارگر ادامه خواهیم داد.

بیانیه وحدت
اکثریت "یاران حیدر عمواوغلی"
با سازمان پیکار...

هموطنان مبارز، کارگران انقلابی!
 بیش از دو سال از فعالیت انقلابی گروه ما میگذرد، در این مدت تا آنجا که در توان داشتیم، کوشیدیم در راههای زحمتکشان از تسلط انبرپریالیسم و ارتجاع داخلی کام برداریم.
 از آنجا که جمع ما بصورت نا همگون و نزدیک رابطه محفلی بدون برنامه منظم کار خود را آغاز کرده، رشد و پرورش یافته بود، در طی پیرویه فعالیت ما به مواضع و مشکلات پیشامدی برخورداریم که برخی از آنها تلاش و

برخی از جریانهای خط سراسر با خود ما در درون این کنفرانس هر چند از افتاد به دنبال جریان خود بخودی یا دشمن و نیز برخی التقاء طها در نظریات برکنار نبودیم ولی جهت حرکت ما در تمحیح مواضع نادرست و سمگیری بسوی راسته یک تئوری انقلابی و اصولی در امروحدت بود و مضمون مبارزه ایدئولوژیک ما در کنفرانس در واقع بنیاد نگارین واقعیت می باشد. همه همین دلیل ما توانستیم ضمن مرز بندی با تتر "اشتلاف" و "همگاری" - مبارزه ایدئولوژیک، بلافاصله با تتر پیشنهائی نادرست "سازمان واحد" نیز مرز بندی کردیم و اعلام نمائیم که هیچ شکل تشکیلاتی دیگر نتواند به آلترنا تینو حزب گردد.
 اما پس از اعلام نامه کارکنان با زهم و غلط مشفق فوق برآه خود رفتند، نیروهای که در درون کنفرانس نیز برترهای انحرافی و اکونومیستی بسا میشتورند، امروز طیفم اختلافات نه چندان کم اهمیت در زمینه سیاسی - ایدئولوژیک دور هم جمع شده و تترهای "اشتلاف" و "همگاری" - مبارزه ایدئولوژیک و... را تحت عنوانین دیگری بحرله اجرا آورده اند.
 اما سازمان ما که پرچم در مبارزه علیه این گرایشها را تا صبح در کنفرانس بود پس از تعطیل کنفرانس - آن بنیاد طیفم تا کید بر این اهل که هیچ تشکیلاتی دیگر نتواند به آلترنا تینو حزب گردد، معجزاً بطور طبیعی از وحدت با معافیل و گروههای که بسا سازمان نزدیکی سیاسی - ایدئولوژیک داشته اند، استقبال نموده است. تا امروز خوشحالیم که اعلام نمائیم در حرکت چند ماه اخیر بدنبال کوششهای متقلاً سیاسی که از جانب ما و گروههای زیرین صورت گرفته است، توانستیم به ما این رفقا به وحدت رسیده و این گروهها در درون سازمان ما ادغام گردند (که سازمانی این گروهها به شرح زیر است):

- ۱- اکثریت یاران حیدر عمواوغلی
- ۲- گروه طرفدار جنبش طبقه کارگر
- ۳- بخشی از "اتحاد مبارزه در راه آزادی طبقه کارگر"

پیش بسوی وحدت با رگسیست - لنینیستها در جهت ایجا د حزب طبقه کارگر
 تا بود ما دنظا صرم با ایداری و با بسته به ما مهربا لیمم برقرار با دجمهوری دمکراتیک خلق
 اکثریت "گروه یاران حیدر عمواوغلی"
مختصری از تاریخچه فعالیت
"گروه طرفدار جنبش طبقه کارگر"
 تشکل ما "گروه طرفدار جنبش طبقه کارگر" یکی از
 بقیه در صفحه ۱۵

ما بین وحدت با رگامی بسجودر تحقق وحدت جنبش کمونیستی از رزبایی میبکنیم چرا که معتقدیم ضرورت سیاسی عینی از یک طرف و مبارزه ایدئولوژیک (در راه مبارزه با

بقیه از صفحه ۱۴

اطلاعه ...

مخالف متعددی بود که بعد از قیام حماسه آفرین ۲۲
بهمن با به عرصه جنبش انقلابی ایران گذاشت. محفل
با بدلیل نداشتن انجام ایدئولوژیک، سابقه و
امکانات مبارزاتی و... حقا نیت و اولویت لازم را
برای یک حرکت گروهی نداشت با وجود این به حرکت
مستقل خود ادامه داد. انتشار نشریه "مدای کارگر"
با همکاری "اتحاد مبارزه در راه آزادی طبقه کارگر"
شرکت مادر "کنفرانس وحدت" بصورت ناظر اگرچه
حرکت مستقل و گروهی ما را طولانیتر ساخت، ولی
تجارب ارزنده‌ای برای ما به همراه داشت. بیویژه
شرکتان در بحثهای کنفرانس ما را هرچه بیشتر به
اهمیت حرکت نقشه مندمیتنی بر مشی و بر نامه (چیزی
که ما فاقد آن بودیم) آگاه ساخت. در ضمن مشکلات ناشی
از فعالیت سیاسی - تشکیلاتی و انتشار یک نشریه که
از توان و قابلیت‌های ما بسی بیشتر بود صورت بر فرود
به حرکت محفل را هرچه بیشتر تسریع نمود.

بدین ترتیب شکل ما بعد از هر چند ما حرکت
مستقل و غیر اصولی به انحراف اساسی خود که ترکیبی
از پراکندگی و لیبرالیسم بودیدی برده و با آن به
مبارزه برخاست. به این ترتیب با ارزیابی از وضعیت
سیاسی جامعه و جنبش م. ل و با نفعی حرکت مستقل، امر
پیوستن به گروه نزدیک خود را برای ما مسنگی
پرولتری در دستور کار خود قرار دادیم. برای این اساس
بود که پس از گذراندن یک برنامہ سیاسی - شورویک و
مبارزه ایدئولوژیک درونی و بدنیال رسیدن به وحدت
ایدئولوژیک - سیاسی، مواضع و مشی "سازمان پیکار
در راه آزادی طبقه کارگر" را بعنوان تشکیلی که دارای
هسته غالب پرولتری است پذیرفتیم و پیوستن
به آن را طی نمودیم. این وحدت از آنجا که حول مشی
و مواضع مارکسیستی - لنینیستی صورت میگردد کمی
است هر چند کوچک در پیامع به حل مسئله پراکندگی
نیروهای م. ل و تقویت عنصر وحدت طلبی و مواضع
اصولی در درون جنبش کمونیستی.

بدین لحاظ ما ضمن اعلام این وحدت امید داریم
که دیگر نیروهای جنبش کمونیستی نیز ضمن دامن زدن
به مبارزه ایدئولوژیک اصولی سمت و سوی وحدت -
طلبانه‌ای برای ما بس پلاتفرم پرولتری اتخاذ نمایند.
پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر ایران
گروه طرفدار جنبش طبقه کارگر

"اطلاعه وحدت"

بخش انشعابی از

"اتحاد مبارزه در راه آزادی طبقه کارگر"

در او خرداد ۵۸ در پی دومین نشست عمومی
اعضای گروه "اتحاد مبارزه در راه آزادی طبقه کارگر"
بخشی از اعضای این گروه، انشعاب نمودند. این
انشعاب بر ما سنا نقادانه مواضع روشنگری و جدا
از توده‌های بود که علی‌رغم مبارزه ایدئولوژیک چند
ماهه در گروه، از طرف اکثریت اعضای گروه تشبیت شده
بود. بصورت پذیرفت. انشعاب گرایش روشنگری در
مواضع سیاسی اتخاذ شده در گروه و همچنین گرایش
لیبرالیستی و پاسیفیستی در گروه و سکتاریسم در
تشکیلات موجب تسریع امر انشعاب و تجزیه سریعتر
گروه گردید. وجود گرایش نا سالم تشکیلاتی فوق -
الذکر به توده‌های متشکل حول گروه و هواداران امکان

آگاهی کامل از نقطه نظرات تجربیات مختلف درون
گروه - که تا آن زمان وحدت و مبارزه درونی نشان در
درون گروه باعث وجود انشعاب شدی در مواضع و
عملکردهای گروه شده بود - را نداد و بود. اعلام جدا شدی -
بخشی از اعضا به توده‌های سمپات و هواداران امکان داد
تا با بررسی دودیدگا مختلف بر اساس گرایشات خود
سنگیری نمایند. بدین ترتیب بتدریج بیش از نیمی
درصد از رفقای متشکل حول گروه که شامل کلیه هسته -
های کارگری، عناصر پیگیر و فعال در کارخانجات و
برخی از عناصر وابسته به گروه میشدند. و همچنین
"آرمان زحمتکشان" که بعنوان هسته هواداران گروه
فعالیت میکرد، اعلام جدا شدی نمودند. هسته‌های کارگری
برخی از رفقای وابسته و اعضا منشعب از گروه -
اساس مواضع مورد قبول متشکل شده و شروع به برخورد
با سایر تشکیلاتی م. ل و در راه آزادی "سازمان پیکار
در راه آزادی طبقه کارگر" و "سازمان انقلابی زحمتکشان
گردستان" - گومله - نمودند. تا بر اساس نزدیک شدن
بیشتر به مواضع سیاسی - ایدئولوژیک، تطابق
پراکتیک با این مواضع و وجود دیدگا‌های صحیح تشکیلاتی
تی هر یک از آنها، اقدام به ادغام تشکیلاتی با آنرا نمایند.
خطوط اساسی مواضع مورد قبول این رفقا عبارت بود از:
۱- در روی بیونیسم خرونجفی و سوسیال امپریالیستی
بودن شوروی کنونی و وابسته دانستن حزب خاشان توده
۲- در دشواری روی بیونیستی و ارتجاعی سه‌جانبه
۳- طرد مشی چریکی و ترسکیم و اعتقاد به کار سیاسی
- تشکیلاتی بین طبقه کارگر
۴- اعتقاد به ملی و مترقی نبودن کل بورژوازی ایران.
۵- ضد خلقی بودن حاکمیت کنونی و اعتقاد به آنکه
پرولتاریا و متحدین آن با پدیس از سرگونی بورژوازی
و متحدین وی جمهوری دمکراتیک خلق را برقرار نمایند.
۶- مرحله انقلاب ایران دمکراتیک و ضد امپریالیستی
بوده و نیروهای شرکت کننده در انقلاب طبقه کارگر، کل
دهقانان و اقشار خرده بورژوازی هستند. (در مورد
خرده بورژوازی مرفه سنتی موضع مشخصی وجود نداشت.)
۷- مرز بندی بین دو مقوله "مدخلی" و "ضد انقلاب" و در این
مرحله بورژوازی کلا مترج و ضد خلقی بوده و لسی
خرده بورژوازی مرفه سنتی ضد انقلابی است.

۸- اعتقاد به عمده بودن وظایف تسلیفی کمونیستها در
جهت برقراری ارتباط سیاسی - تشکیلاتی با طبقه
کارگر و ضرورت مبارزه ایدئولوژیک بر این مبنای جهت
آماده سازی شرایط عینی ذهنی ایجاد حزب طبقه کارگر ایران.
در پیرویه برخورد به مواضع سازمان گومله رفقا
به عدم مرز بندی قاطع و روشن این سازمان با رویز -
بیونیسم مدرن و برخی دیدگاههای اگونیومیستی رفقا
انتقاد داشتند، مواضع سیاسی - ایدئولوژیک خود را
به سازمان پیکار نزدیکتر میدیدند، از اوائل زمستان
۵۸ ارتباط فعالی با سازمان مزبور برقرار کرده و در
طی پیرویه‌ای به مدت سه ماهه بررسی دقیق مواضع و
دیدگا‌های یکدیگر در زمینه‌های مختلف برداشتند.
از آنجا که جز مواردی جزئی که قابل برخورد در چارچوب
یک تشکیلات بود، اختلاف نظر دیگری نبود، از اوائل
بها ۵۹ بطور کامل به سازمان پیکار در راه آزادی طبقه
کارگر پیوستیم. پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر
بخش انشعابی از "اتحاد مبارزه در راه آزادی طبقه کارگر"



توضیح در مورد شعر:

در پیکار ۶۱ همراه با طرحی که بیادرفقای شهید
مهدی علوی شوشتری، دکتر ساسا عیال نریمی و
منوچهر جعفری چاپ شده، قطعه شعری نیز از آقای علی
میرفخرین درج شده است. متن سابقا نه به علت کم توجهی

بقیه از صفحه ۲

کوتاه ...

کردن موج اعتراضات علیه زمانهای بازاری شده
سرکوب و بیوزها ارتش که عمدتاً تکیه‌ها جناح بسنی صدر
است، مواضع حزب جمهوری اسلامی را زیر حمله گرفته
- اندک عاقل تا بسا مانی اجنماعی است و زمینه
کودتا را فراهم میکند.
نوطه کودتای اخیر و سکت آن همچنان که بسی -
آمدها پیش بسیر نشان داد تضادهای درونی رژیم شدت
بخشیده و "مبتناق وحدت" و جناح آن را خدشه دار ساخته
است اما در عین حال نباید از نظر دور داشت که رژیم
این نوطه و طرح ارتجاعی را که در آستانه اجابت سکت
انجام میدهد، به سکوی جدیدی برای تثبیت قدرت سیاسی
خویش و قوام بخشیدن به با به‌های متزلزل آن و سرکوب
جنبش خلق و نیروهای انقلابی، تبدیل خواهد کرد.
آنها روشنا نه‌های این برش جدید رژیم از زمان روزهای
اول سکت نوطه کودتا آشکار گشت. نوطه کودتای
اخیر طبعاً آخرین نوطه ارتجاعی امپریالیسم بر علیه
جنبش خلقهای ایران و در پیامع به تضادهای درون
جبهه ضد انقلاب جها تی نخواهد بود. امپریالیسم آمریکا
بنا بر ما هیت سبانه خویش به مقتضای شرایط دست به
نوطه‌های از این قبیل، که شرایط آن را همین رژیم
ارتجاعی جمهوری اسلامی فراهم آورده است، خواهد زد
و تلاش کرده و خواهد کرد تا زمینه تحقق اهداف خاشانه
خود را فراهم سازد.

۱- کمونیستها در عین اینکه با توده‌ها رانسبت به این
اهداف و نوطه‌های خاشانه امپریالیسم چنانکه کار
آمریکا، هشیا و آگاهانما نمایند، اما یک آن نباید فراموش
کنند هدف اساسی این نوطه حتی اگر هدف نا کشتکی و
فوری آن سرگونی رژیم جمهوری اسلامی باشد، سرکوبی
انقلاب، فشرده کردن جبهه ضد انقلاب بمنظور حفظ نظام
فا رتگرا نه‌ای است که رژیم‌ها کم‌کنون کم‌ر به حفظ
و دفاع از آن راسته است. به همین جهت آنها ضمن
مبارزه انقلابی در پیشا پیش توده‌ها، بمنظور رخنه‌ی
کردن این نوطه‌های خاشانه ارتجاعی امپریالیسم
آمریکا یک آن فراموش نمیکند که هدف اصلی مبارزه
آنها در شرایط حاضر مبارزه با رژیم است که در اتحاد
اساسی با امپریالیسم آمریکا، سرکوب جنبش خلق و
بازسازی نظام فا رتگرا نه‌سرما یه‌داری وابسته می -
بردا رتگرا کمونیستها با بدبا افشای هر دو نیروی ارتجاعی
چه امپریالیسم آمریکا و محافظان فوق ارتجاعی وابسته
به آن و چه رژیم ضد خلقی حاکم، طبقه کارگر و توده‌ها را
نسبت به منافع مستقل خود آگاه سازند و با عزیمت از
موضع مبارزه طبقاتی آنان را به صحنه مبارزه ملی و
طبقاتی بر علیه امپریالیسم و نظام وابسته به آن و نیز
با رژیم سیاسی کنونی، یکسانند. هرگونه غفلت از این
امر هرگونه کاهش در جهت تضعیف و تخفیف این مبارزه
تحت سیاستها و بیانه‌های مختلف از جمله ملی و مترقی
و ضد امپریالیست قلمداد کردن هیئت حاکمه، از آن دست
که روی بیونیستها و پورتونیستها در آستین خود دارند،
قربانی کردن منافع انقلاب و توده‌ها و هم‌آوایی با
رژیم کنونی و تبدیل نوطه‌های امپریالیسم به ابزاری
جهت تحکیم قدرت سیاسی رژیم ارتجاعی کنونی است.
کمونیستها با بدبا این نوطه‌ها در جهت تقویت مبارزه
طبقاتی و ملی طبقه کارگر و توده‌ها و متشکل کردن
صوف مستقل آنها در جریان این مبارزه سودجویند.

در صفحه بندی، ترتیب درج شعر بیگانه‌ای انجام گرفته
که گویا شعریا د شده به مناسبت اعدا مرفقای شهید سروده
شده در صورتیکه قطعه مذکور از کتاب "آواهای شمعیدی"
سروده همین شاعر انتخاب شده است.

بافتا
تصحیح
۵۸

۴ سال زندان به جرم هواداری از سازمان

آری تعجب نکنید در رژیم جمهوری اسلامی هم چنان امکان دارد، ساواکیها آزاد میشوند، سرپرندگان رژیم شاهنشاهی آزادانه زندگی میکنند، بسیاری از ساواکیها درساواک جدید "ساوا" بکار گرفته میشوند فرماندهان شاهنشاهی در ارتش جمهوری اسلامی قرار میگیرند اما انقلابیون و مبارزین مورد بدترین آزارها و شکنجهها قرار میگیرند و زندانی و اعدام میگردند. حتی هواداری از سازمانهای سیاسی انقلابی جرم محسوب میشود. ورژیمی که ادعای آزادی میکند حتی داشتن یک نشریه "پیکار" را گناه قابل تسبیح میداند. این است ماهیت ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی.

اما در خوزستان حکام شرع و مسئولین منطقه ای با دستور دولت و شورای انقلاب ارتجاعی بر اساس مناطق عمل میکنند. و نمونه های زیر تنها نمونه های از ماهی است: ارتجاعی دادگاههای باصلاح انقلاب خوزستان است: حسین نوروزی فقط بجرم داشتن یک نشریه پیکار به ۶ ماه زندان محکوم شده است. آیا این همان کاری نیست که رژیم شاه میکرد؟

رفقای هوادار حمید قیاسی و سیا مک جنتی و دانشجویان دانشکده نفت آبادان بجرم هواداری از سازمان ۲ ماه پس از دستگیریشان هر کدام به ۴ سال زندان محکوم گشتند (حتما می دانید که رژیم شاه در سال ۵۵ به هواداران و حتی اعضای ساده سازمانهای انقلابی بین ۱ تا ۳ سال زندان میداد و رژیم جمهوری اسلامی از این لحاظ بر او سخت گرفته است!)

اما برخوردی که به رفاقتها شده است به همین جا پایان نمی یابد. در طی ۲ ماه بازداشت آنها در پلان تکلیفی کامل بسر میبردند. شیوه ای که قبلا از آن یاد کرده ایم - و بعد اینک وسایل زندگی این دو رفیق دانشجویان نیز مانند ساواک توقیف کرده اند و حاضر نیستند که آنها را به خانواده های رفاقتی و همسران و همسران و سایر عزیزان یک ماشین بپیکان، دو موتور (گازی و دنده ای) و بیخجال و دیگر لوازم اولیه آنها، آنها این وسایل را همچون ساواک و بیست و نه غنایم جنگی پیش خود تقسیم کرده اند. البته این شیوه یعنی به غنیمت گرفتن اموال متهمین هم در مورد زندانیان سیاسی و هم در مورد زندانیان عادی انجام می گیرد و از این لحاظ نیز جمهوری اسلامی گوی سبقت از رژیم شاه را برده است.

و اما اگر رژیم شاه توانست با انواع و اقسام شکنجه و آزار زندانی و اعدام انقلابیون و مبارزین مانعی در برابر آنان بوجود آورد رژیم جمهوری اسلامی نیز خواهد توانست. توده های آگاه هیچگاه اجازه نخواهند داد که سرخوش فرزندان عزیزشان این چنین باز بجه دست مفتی حاکم شرع و پاسدار که طبیعتا بدستور رژیم عمل می کنند قرار گیرند و فریاد اعتراض خود را علیه

پرچیدن دکدها، سرکوب زحمتگشان

معنی سانس کار، در غیر این صورت اما مددگاری سانس واقعی کارماست. اعلام میداریم که بر عهد دکدها از وساطت فروشان آگاه است که در مبارزه بر حق خود صاف تر بر سر خود میماند.

- ۱ - اهداف رژیم را در برچیدن ساط و دکدهای خود برای همکاران ساواک و مخصوص توده های ساواک که احسان علیه تاسخ مستنود بوضوح دهید.
- ۲ - با سرکاری نظا هرات و میسنگهای افتخار گرا به دیگر زحمتگشان را برای حساب از مبارزه خود جلب کنید.
- ۳ - مبارزات خود را در سطح شهرها هک با شیدیدین سرسب که سرکاری میسنگ و نظا هرات تنها توسط دکدها از یک منطقه احام میگردند که ما زحمتگشان دستفروش و دکدها در ترک رور و محل معین به چسب کارها می اندازیم.

- ۴ - ضرورت احاد و همسنگی هر چه بیشتر را به همکاران ساواک خود بوضوح دهید پس معما که پیروزی مبارزات دکدها از زحمتگشان را بر سر نواجا دعمل آنها و جلب حساب دیگر زحمتگشان امکان پذیر است.
- ۵ - ...

ما با دستفروش پشمیانی کامل خود را حواسهای حق دکدها از زحمتگشان از کلبه پیروهای انقلابی و سرمنی میخواهیم که از مبارزات حق این زحمتگشان دفاع سازند و کلبه هواداران میخواهیم حواسهای عادلانه زحمتگشان را به توده ها بوضوح داده و در این باره عادلانه در کنار آنان قرار گیریم.

☆☆☆

ار روز پنجشنبه ۵۶/۲/۱۸ معاونت دستجمعی دکدها در زحمتگشان در مقابل مصیبات نهاد انقلابی مسئولین آگاه گردیدند آنها بطور دستجمعی در خیابانهای تهران برای احاد و وسایلی نظیر: اتحاد، اتحاد علیه سرما به دار - مرگ بر سرما به دار را مل هر گزانی، عامل هر سیکاری شهیدان، شهیدان را می برما به دار - دکدها - دار میریزند، سرما به دار را بر سر زد - ترک بر آمریکا دشمن اصلی ما - در خواستهای عادلانه خود را بگوش خلق رسانده و حرکت فذ خلقی رژیم جمهوری اسلامی را به توده ها نشان دادند. در این مبارزات که در انکسال نظا هرات و بخص ... احاد و میا فته است تا کنون (یکشنبه) جدس از زحمتگشان بشهادت رسیده و عده ای سیز دستگیر شده اند. در شمارا به دیگر گزارش مشروح مبارزه دکدها از زحمتگشان را خواهم آورد.

سازمان در رابطه با حملات احزاب رژیم به دکدها در تهران و چند شهر دیگر، اعلامیه ای داد که طی آن ساواک را در به اطلاع رور سه شنبه ۵۶/۲/۱۴ سادامطلاح با کساری علل اقتصادی - احما می بوجود آمدن دکدها را شرح داد و سپس از راه مسئله کساری که باعث روی آوردن زحمتگشان به دستفروشی و دکدها میگردد، به بوضوح این مسئله که منشاء اصلی آن سهم سرمایه داری است، میبرد. اعلامیه به هدیه های رژیم اشاره کرده و دلایل انرا خلوصی از فرسوشنرا با انقلابی و کمونسسی و حساب انرا معارف داران مردود و همجنس با اصطلاح حل مسئله مها حرب سکدسان رومانی سه شهرها ذکر کرده است. آگاه در اعلامیه ضمن اشاره به آنها ما با وای رژیم به دکدها از زحمتگشان در همسود مسدود:

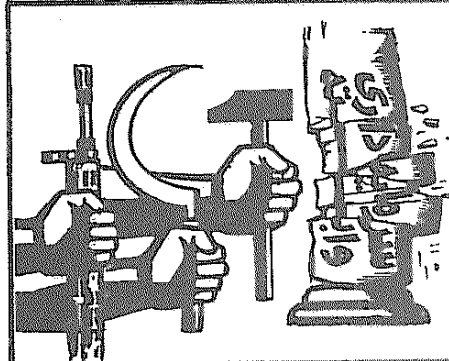
دکده داران و بساط فروشان زحمتکش!

رژیم جمهوری اسلامی بدسال ماهها وعده و سرکوب حواسهای روح ما، اکنون تنها منبع درآمدشان را هدف سورش همه جا سه خود را داده است در اینجا ما صن پشمیانی کامل از خواستهای شما

گرامی باد خاطره رفیق محمود مسعودی

با کمال تاسف اطلاع پیدا کردم که یکی از هواداران صدیق سازمان رفیق مهدس محمود مسعودی مهدس مجتمع صایع فولاد احوار، در اوایل نور ماه در یک حادثه رانندگی در جاده با سوچ تصادف کرده و جان خود را از دست داده است. مناسفا به همرا رفیق سکا رگرسا فردی که سیزدین سال با ما در جاسیرده است. رفیق محمود مسعودی مبارز میهربان و خوشگرم و چهره ای محبوب در بین کارگران مجتمع فولاد احوار بود چرا که به آنها عشق می ورزید و به همین خاطر در دل آنها جای داشت. در گذشت او فقدانی است برای ما و بدینوسیله به خانواده رفیق مهدس محمود مسعودی و سکا رگردیگری که در این حادثه جان خود را از دست داده اند، تسلیت می گوئیم.

اینگونه تجا و زات آشکارا رسد خواهند کرد. در حال حاضر بنی صدم محسور شده است برای با اصطلاح رسیدگی به اعمال جلاد منشا نه دادگاههای احوار که مورد اعتراض وسیع توده های آگاه و خانواده های زندانیان و شهدا قرار گرفته است، فرستادگانی به خوزستان اعزام دارد. اما نه بنی صدراعوا مغرب و نه هیچکس دیگر نخواهند توانست جلومبارزات عادلانه توده های آگاه را برای آزادی زندانیان مبارزان انقلابی و برای احاد حق شهدائی که به جرم عشق به زحمتگشان به خوفا عدا م سپرده شده اند، بگیرند. و فراتر از این هیچکس نخواهند توانست جلومبارزه خلقهای ما را برای رسیدن به آزادی و استقلال کامل سدنا بد.



برقرار بناد جمهوری دموکراتیک خلق